



عکس
روزنامه تجاری اقتصادی
سه شنبه
۱۹ نوامبر ۲۰۲۴ • ۱۴۰۳ آبان ۱۷ جمادی الاولی ۱۴۴۶ • شماره چهارصد و شصت و نه
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره چهارصد و شصت و نه
www.asrghanoon.ir

کابوس خودروپسی

شوک شبانه ایران خودرو و سایپا؛ افزایش ۳۰ درصدی قیمت خودرو تایید شد

ایران خودرو و سایپا سرانجام پس از ماهها کشمکش مجوز افزایش قیمت خودرو را دریافت کردند. بهای محصولات این دو خودروساز دولتی تحویل کارخانه ۳۰ درصد افزایش یافت تا شوک جدیدی به بازار آزاد هم وارد شوند. چنانکه در اولین واکنش قیمت خودرو در بازار آزاد جهشی شد. بازار آزاد خودرو دیروز کار خود را تحت تأثیر شوک قیمتی ایران خودرو و سایپا در افزایش بهای محصولات تحویلی کارخانه آغاز کرد.

بررسی میدانی قیمت‌ها در بازار حاکی از آن است که تمامی محصولات سایپا و ایران خودرو که در بازار موجود هستند بدون هیچ استثنایی گران شده‌اند.

در صفحه ۵ بخوانید

غرب آسیا؛ کانون چالش تمدن اسلام و دنیای غرب



لبنان دارای تنوع ادیان و اقوام می‌باشد و همین امر زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا چالش تمدن‌ها ظهور و بروز کند.

۲

آتش بس یا اخاذی از لبنان....



مسئله آتش بس یک موضوع نه چندان جدی در نزد مقاومت بوده و آنچه در مفاد پیشنهادی طرف امریکایی و صیہونیستی آمده، حتی از «تسلیم» هم بدتر است

۲

ضرورت مشارکت با چین در حوزه خام فروشی



ما با حمایت دولت باید بخش خصوصی کشور چین را وارد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشورمان کنیم و در خام‌فروشی با آنها شریک شویم تا به تدریج از این پیچ سخت تحریم‌های آمریکا و اروپا علیه اقتصاد کشورمان عبور کنیم.

۵

فرایند ارز جایگزین دلار در درازمدت به نتیجه می‌رسد



ما نباید نگاه تبلیغاتی و زودبازده به بریکس داشته باشیم؛ چراکه مبادلات اقتصادی کشورهای عضو بریکس با قدرت‌های دنیا طی سال‌های گذشته شکل گرفته‌است.

۵

نگاه بازاری به سینما



همه به دنبال درآمدی هنگفت از فیلم‌ها بودند، به همین دلیل سطحی‌نگری در سینما به وجود آمد و سینمای مستقل و اجتماعی به فراموشی سپرده شد.

۱

سفر قهرمان جوزف کمبل



کهن الگوی «سفر قهرمان» جوزف کمبل را می‌توان در این اثر مشاهده کرد. نخستین کتابی که قهرمان آن، سفر قهرمانی داشته، گیلگمش است. کتاب ادیسه هومر نیز به گفته کمبل سفر قهرمانی را تجربه می‌کند.

۱





غرب آسیا؛ کانون چالش تمدن اسلام و دنیای غرب

مصطفی‌مصلح‌زاده

مصطفی‌مصلح‌زاده با حضور در برنامه اثر پروانه‌ای با اشاره به دو چالش استراتژیک و تمدنی در لبنان و منطقه اظهار کرد: این دو چالش دارای هم پوشانی است.

چالش استراتژیک بین قدرت‌های مسلط بر جهان می‌باشد که طبیعتاً بر منطقه نیز هژمونی دارند که با استراتژی مقاومت در چالش است و منطقه غرب آسیا کانون این چالش می‌باشد.

وی افزود: این چالش استراتژیک از دریچه‌ای دیگر به چالش تمدنی می‌رسد که با استفاده از کتاب هانتینگتون تبیین می‌شود. کتاب چالش اصلی را میان تمدن اسلامی، غربی و روسی و چینی عنوان می‌کند.

سفیر سابق ایران در اردن در بخشی دیگر از مصاحبه با رادیو گفت‌وگو، ایران را رهبر و پیش روی تمدن اسلامی دانست و افزود: لبنان دارای تنوع ادیان و اقوام می‌باشد و همین امر زمینه‌های فراهم می‌آورد تا چالش تمدن‌ها ظهور و بروز کند.

امریکا به عنوان رهبر نظام سلطه در جهان، طی چند جنگ در لبنان خود را نشان داده است و بعدها حزب الله مبارزه خود را با نیروهای امریکایی و فرانسوی آغاز کرد و این دو کشور ضمن این که کشته‌های بسیاری دادند از لبنان فرار کردند.

وی با اشاره به این که ارتش امریکا پیش‌تر در لبنان حضور فیزیکی داشت، ادامه داد: غربی‌ها به جنگ و نابودی رو آورده‌اند و این مسئله به دلیل کاستی‌های آن هاست و الا سراغ نابودی لبنان، فلسطین و یمن ... نمی‌آمد.

غرب از وجود این کشورها احساس خطر می‌کند و این خطر را صرفاً از تمدن اسلامی دریافت نمی‌کند بلکه از درون هم احساس خطر دارد که هانتینگتون بدان اشاره نمی‌کند اما برژینسکی به کاستی‌های درون تمدن غربی اشاره دارد.

مصلح زاده به رادیو گفت‌وگو گفت: غربی‌ها از همین جهت تلاش دارند مسلمانان و خاصه شیعیان را نابود کنند چون با نبرد برون تمدنی رو به رو هستند.

دنیای غرب از نظر قدرت نظامی، دانشگاهی و تکنولوژیک برتر است و تمدن مقاومت که در برابر غرب سر بر آورده است، از برخی جهات از دنیای غرب عقب‌تر قرار می‌گیرد ولی از جهتی دیگر برتری‌های بسیاری دارد.

وی با اشاره به کتاب برژینسکی که به دست برتر تمدن مقاومت و اسلام اشاره دارد و آن را موجب چالش جدی تمدن اسلامی با دنیای غرب می‌داند، اضافه کرد: در تئوری تمدن اسلامی ناهنجاری‌های اخلاقی مجاز نیست ولی این مسئله از سوی غربی‌ها مجاز دانسته شده است؛ از جمله همجنس‌گرایی و بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی دیگر... برژینسکی می‌گوید در دنیای غرب یک ویروس جدی وجود دارد که همه بد اخلاقی‌ها را مجاز شمرده و همین امر موجب می‌شود تمدن غرب به مسلمانان قدرتی دهد تا با برج قدرتمند و زیبای دنیای غربی به چالش برسند و با آن مقابله کنند.

فرهاد کوچک‌زاده

«حقوق بشر» یکی از مهم‌ترین شعارها و ادعاهای مقامات امریکایی و حکمرانی لیبرال دموکراسی در نظام بین‌الملل به شمار می‌آید. مفهومی که تا به امروز هیچ تعریف روشنی از آن ارائه نشده و درک جهانی از آن مبهم است، نگاهی به مواضع و عملکرد کشور امریکا در حوزه حقوق بشر در دو بعد داخلی و خارجی مؤید آن است که امریکایی‌ها خود یکی از مهم‌ترین ناقضان حقوق بشر در سطح جهان بوده و هستند. مطالعات انجام‌شده در سال‌های اخیر گویای این واقعیت است که این کشور همانند سال‌های گذشته، همچنان در سطوح گوناگون حقوق اساسی و اولیه بشری را نقض کرده است. بنابراین، در این نوشته تلاش می‌شود مصادیق جعل عنوان حقوق بشر در حکمرانی لیبرال دموکراسی به‌ویژه امریکا بررسی شود:

نماد اصلی نقض حقوق بشر

اگرچه حاکمیت در امریکا تلاش می‌کند خود را نمونه درخشان حقوق بشر معرفی کند، اما این کشور نماد اصلی نقض حقوق بشر در دنیا به شمار می‌آید. اعدام‌های سه برابری سیاه‌پوستان در مقایسه با سفیدپوستان، نقض حقوق پناهندگان، نقض حقوق زنان در امریکا و بالاترین جمعیت زندانیان جهان تنها بخش کوچکی از نقض حقوق بشر در داخل این کشور است. نقض حقوق بشر و تبعیض نژادی در زندان‌های سراسر ایالات متحده، به ویژه ایالت‌های جنوبی به‌حدی نگران‌کننده است که ائتلافی از سازمان‌های غیردولتی حامی حقوق بشر طی ارسال یک گزارش ویژه ۲۱ صفحه‌ای به کمیته حقوق بشر سازمان ملل خواستار تحمیل فشار به ایالات متحده برای توقف سیاست‌های تبعیض نژادی و ضدحقوق بشری در زندان‌های امریکا شدند.

جنگ‌افروزی و کشتار غیرنظامیان

راهبرد اعمال «دموکراسی با زور» مبنای عملکرد امریکایی پس از دوران جنگ سرد بوده است. البته این کشور از زمان تأسیس تا به امروز، کمتر از ۲۰ سال را بدون حضور در جنگ سپری کرده است. به عبارت دیگر، امریکا در طول ۲۵۰ سال قدمتی که دارد، حدود ۴۰۰ مداخله مستقیم نظامی در کشورهای جهان داشته است. ۵۰ درصد مداخلات امریکا از ۱۹۵۰ تا ۲۰۲۰ بوده که بیش از ۲۵ درصد آنها مربوط به سه دهه پس از جنگ سرد است. امریکا در تمام جنگ‌های عمده در غرب آسیا و نواحی مجاور آن به‌طور مستقیم و غیرمستقیم حضور داشته است. از سال ۲۰۰۱ به بعد حدود ۴۰ درصد از کشورهای جهان در گیر عملیات‌های به اصطلاح ضدتروریستی امریکا بوده‌اند.

تأمین منافع ملی امریکا

در عرصه نظام بین‌الملل، حقوق بشر همان منافع دولت امریکا و منافع دولت امریکا همان حقوق بشر است. دولت‌مردان امریکایی به بهانه حقوق بشر، هر ساله کشورهایی را که به لحاظ سیاسی حاضر به رفتار در چارچوب منافع و تمایلات آنان نیستند، تحت

چهره واقعی حقوق بشر امریکایی

فشارهای همه‌جانبه قرار داده یا آنها را تحریم می‌کنند. این‌گونه اقدامات که برخلاف مقررات و هنجارهای بین‌المللی و همچنین ناقض پیمان‌ها و اسناد بین‌المللی حقوق بشری هستند، گویای نقض گسترده حقوق بشر از سوی دولت امریکاست. کشورهای متعددی در حال حاضر تحت فشارهای تحریمی امریکا قرار دارند که می‌توان به ایران، روسیه، بلاروس، کوبا، نیکاراگوئه، ونزوئلا، چین، پاکستان، ترکیه، بوسنی و هرزگوین، صربستان، بلغارستان، مجارستان، سودان، سوریه و لبنان اشاره کرد.

برخورد گزینشی از حقوق بشر

امریکا با وجود سیاه‌های عریض و طویل از زیر پا گذاشتن قانون خودتصویبش، با رویکردی گزینشی و مبتنی بر استانداردهای دوگانه، به نقض نظام‌مند حقوق بشر و استفاده ابزاری از آن مشغول است. آسیب‌های انسانی جنگ‌های خودسرانه در ابعاد گوناگون، حمایت از جنایت‌های رژیم صهیونیستی، پشتیبانی از دولت‌های مستبد در سرکوب حقوق مردم و نقض حق تعیین سرنوشت ملت مظلوم فلسطین تنها بخشی از اقدامات ضد حقوق بشری امریکاست. در یک سال گذشته و پس از آن آغاز حملات گسترده رژیم صهیونیستی علیه مردم مظلوم و بی‌دفاع در نوار غزه و کرانه باختری، ایالات متحده امریکا از طریق ارائه انواع حمایت‌ها و تأمین تسلیحات مرگبار، در نقش شریک اصلی اقدامات و جنایات رژیم صهیونیستی عمل کرده و تلاش‌های جامعه جهانی برای برقراری آتش‌بس را با شکست مواجه کرده است. امریکایی‌ها تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت در ارتباط با آتش‌بس در غزه و عضویت فلسطین در سازمان ملل متحد را وتو کرده‌اند. حمایت‌های آشکار از جنایت‌های رژیم صهیونیستی، ارائه مستمر و پیوسته انواع گوناگون تسلیحات سبک و سنگین و ارائه مشورت‌های نظامی و اطلاعاتی به رژیم صهیونیستی تنها بخش کوچکی از اقدامات ضد حقوق بشری آنهاست. حتی اخباری دال بر حضور مستقیم نظامیان امریکایی در اتاق جنگ رژیم صهیونیستی و میدان‌های درگیری وجود دارد.

حمایت از تروریسم

ایالات متحده از تروریسم به‌مثابه ابزاری برای اعمال نفوذ و دسترسی به منابع ثروت کشورها استفاده کرده است. گروه‌هایی، مانند القاعده و داعش و زیرشاخه‌های وابسته به آنها در بستر حمایت‌های امریکا تشکیل شده و تداوم یافته‌اند. در حال حاضر، امریکا از طریق گروه‌های تروریستی غیررسمی، مانند داعش و برخی بازیگران، مانند رژیم صهیونیستی به ایجاد ناامنی در غرب آسیا دامن می‌زند. مصداق بارز حمایت امریکا از تروریسم در یک دهه اخیر در یمن و سوریه رخ داده است. مهم‌ترین مصداق‌های نقض حقوق بشر در جنگ یمن شامل مواردی همچون قتل و کشتار، قحطی و گرسنگی، مرگ‌ومیر و بیماری‌ها



آوارگی، بازداشت، تبعید، شکنجه، محرومیت از تحصیل و از بین بردن شرایط اولیه رفاه است. با وجود مصادیق آشکار نقض نظام‌مند حقوق بین‌الملل بشردوستانه در یمن، ابعاد این فاجعه به‌طور گسترده منتشر نمی‌شود.

سکوت برابر نقض بارز

معیارهای دوگانه ایالات‌متحده امریکا در مواجهه با مصادیق نقض حقوق بشر بیان‌کننده ابزاری بودن آن برای دستیابی به اهداف سیاسی و نظامی است. برای نمونه، نقض حقوق بشر از سوی رژیم صهیونیستی در فلسطین به‌طور روزانه به‌وضوح اتفاق می‌افتد، اما همواره مقامات امریکایی آن را نمی‌بینند؛ دلیل این امر نیز گره خوردن منافع نامشروع امریکا به منزله مدعی حقوق بشر با سیاست‌های این رژیم است. آمار شهدای غزه به بیش از ۴۳ هزار نفر و زخمی‌ها نیز به بیش از ۱۰۰ هزار نفر رسیده است. با وجود این، امریکا از آغاز عملیات طوفان‌الاقصی بارها از نظر سیاسی، دیپلماتیک و نظامی از رژیم صهیونیستی حمایت کرده و مانع از محکومیت این رژیم به دلیل نسل‌کشی فلسطینیان در نوار غزه در شورای امنیت و همین‌طور لبنان شده است.

نکته پایانی

ایالات متحده امریکا که بزرگ‌ترین مدعی حمایت از حقوق بشر است، خود به بزرگ‌ترین ناقض حقوق بشر تبدیل شده است. نهادهای مربوطه در بررسی وضعیت حقوق بشری امریکا همواره با فشار این کشور مواجه هستند. بنابراین، هرگز وضعیت واقع‌بینانه‌ای از شرایط حقوق بشری این کشور در سطح مجامع بین‌المللی ارائه نشده است. رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرمایند: «حقوق بشر دیگر معنایی ندارد. آن کسانی که با این جنایت‌ها مدعی حقوق بشرند انسان‌های بزرگی، چهره‌های نورانی‌ای مثل سیدحسن نصرالله را، مثل هنیه را، مثل سلیمانی را، مثل بقیه شهدای بزرگ را تروریست می‌خوانند و می‌نامند؛ در حالی که باند تروریستی، خودشان هستند، باند جنایتکار خودشان هستند؛ این را امروز دنیا دارد می‌فهمد و بحمدالله دانسته‌اند، فهمیده‌اند.»

آتش‌بس یا اخاذی از لبنان...

حمله را برای خود محفوظ خواهند داشت». در همین زمینه، منابع دیپلماتیک به الاخبار فاش کردند که «جشم انداز جدید آتش‌بس بر اساس پیشنهاد امریکا در مورد نوار غزه و لبنان، در دو روز گذشته بین مقامات مصری و هم‌تایان امریکایی آنها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است». «بدر عبدالعاطی»، وزیر امور خارجه مصر در جریان سفر خود به بیروت که در آنجا با چندین طرف دیدار کرد، درباره جزئیات این پیشنهاد صحبت کرد. این اقدام در چارچوب گفتگوهای گسترده‌ای است که قاهره تلاش دارد با طرف‌های لبنانی انجام دهد.

به گفته یک مسؤول مصری، «عملیات نظامی حزب‌الله در جنوب به وضوح به سوی آرامش پیش می‌رود». او تأکید کرد «امروز بخشی از بحران، تنها مربوط به تعلق رژیم صهیونیستی نمی‌شود، بلکه این بحران در فقدان مرجع فشار قوی نهفته است، به گونه‌ای که تمام فرصت‌های خوش‌بینی که ظاهر شده، می‌تواند در یک لحظه از بین برود.» این منبع افزود «حملات مجدد رژیم صهیونیستی به ضاحیه جنوبی بیروت ممکن است در چارچوب پایان دادن به این باور تل‌آویو باشد که آخرین مقر حزب‌الله در آن منطقه قرار دارد». او در عین حال اشاره کرد که «مانع دیگر پیش روی مذاکرات آتش‌بس میان لبنان و رژیم صهیونیستی، تغییر مواضع مذاکره‌کنندگان صهیونیستی بر اساس اطلاعات متناقض است.

روز گذشته، اظهارات و اطلاعات افشا شده از سوی رژیم صهیونیستی ادامه یافت و «الی کوهن» وزیر انرژی این رژیم گفت: «اسرائیل از ابتدای جنگ، در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری به دستیابی به توافق در مورد جنگ با حزب‌الله نزدیک شده است». اما او افزود: «اسرائیل باید آزادی انجام عملیات در داخل لبنان را در صورت نقض هرگونه توافقی حفظ کند». کوهن فاش کرد «یکی از اصلی‌ترین موضوعات مورد مناقشه اسرائیل تضمین این امر است که در صورت بازگشت حزب‌الله به مناطق مرزی که ممکن است تهدیدی برای شهرک‌های اسرائیل باشد، آزادی انجام عملیات را برای خود حفظ کند». او گفت: «ها با تلاش‌ها برای ایجاد پایگاه‌ها در سرزمین‌های نزدیک به اسرائیل، در مقایسه با گذشته ملایمت کمتری خواهیم داشت.»

دریایی و هوایی نظارت می‌کند، تمام ساختارهای نظامی حزب‌الله را در بالا یا زیر زمین از بین ببرد». در این پیشنهاد، در مورد اعلام آتش‌بس فوری و همه‌جانبه هم شرط شده است که ارتش لبنان استقرار نیروهای اضافی در جنوب لبنان را آغاز کند و رژیم صهیونیستی از تمام مناطق لبنان که پس از شروع حمله زمینی وارد شده بود، خارج شود، مشروط بر اینکه هم‌زمان با تقویت تعداد نیروهای یونیفل در جنوب لبنان، استقرار ارتش لبنان در این منطقه به صورت تدریجی تقویت شود و ۹ هزار سرباز در جنوب لبنان مستقر شود.

منابع آگاه به روزنامه الاخبار لبنان گفتند «در مورد آتش‌بس میان رژیم صهیونیستی و لبنان، مذاکرات جدی میان نبیه بری و امریکایی‌ها در حال انجام است اما آن‌طور که صهیونیست‌ها می‌گویند، کار به مرحله نهایی خود نرسیده است». این منابع گفتند «پندها و پیشنهادهایی با لبنان در حال بررسی است» و نکات حل نشده مربوط به موضوع «تشکیل کمیته بین‌المللی است که شامل ایالات متحده، انگلیس، فرانسه و کشور چهارمی که ممکن است عربی (گفته می‌شود اردن در این زمینه نقش دارد) باشد و اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ را در همه ابعاد آن نظارت خواهد کرد». در واقع «مشکل اساسی به عضویت کشورهای خارجی در این کمیته نظارت، ماهیت نقش محول شده به کمیته، نقش آن و طرفی که این وظیفه به آن محول خواهد شد، مربوط می‌شود. زیرا وظایفی وجود دارد که رژیم صهیونیستی معتقد است که فقط خود او می‌تواند آنها را انجام دهد و علاوه بر آن خواهان تضمین‌هایی در زمین، دریا و هواست. در واقع همه صحبت‌ها در مورد جنوب لیبانی است و رژیم صهیونیستی اصرار دارد که اگر ارتش لبنان نقش مورد نظر خود را ایفا نکند، این توافق لغو می‌شود و سپس رژیم صهیونیستی حملاتش را به لبنان از سر خواهد گرفت.»

در فلسطین شغالی هم که افشاگر‌ها درباره «زدیک شدن به توافق (آتش‌بس میان لبنان و رژیم صهیونیستی)» ادامه دارد، به‌رمان دشمن بر این موضوع تمرکز می‌کنند که رژیم صهیونیستی «ضمانت‌هایی را از امریکا دریافت کرده است که در صورت عدم اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ توسط کمیته مشترک، حق

«بستر سازی علامه طباطبایی برای انقلاب» در بیان امام خامنه‌ای



پرده چهارم: اهتمام و استقامت در جهاد

تبیین حضرت آیت الله خامنه‌ای ۲۳ بهمن‌ماه ۱۳۹۱ در دیدار با اعضای مجمع عالی حکمت اسلامی در خصوص لزوم استحکام و پایداری در فعالیت‌ها و جلوگیری از ضعف شدن آنها با شاهد مثال قرار دادن علامه طباطبایی می‌فرماید: به نظر من هنر بزرگ مرحوم علامه طباطبایی (رضوان الله تعالی علیه) این بود که پافشاری کرد و کار خود را در شرایط مختلف ادامه داد.

پرده پنجم: پرداختن به کاری که لازم بود

ایشان در ۱۵ تیرماه ۱۳۸۳ در خصوص لزوم پاسخ دادن روحانیت به شبهات و دادن وسعت و عمق بیشتر به جریان خلاق فکری که در حوزه علمیه به وجود آمده است، در دیدار جمعی از روحانیون استان همدان فرموده‌اند: کسی مثل مرحوم علامه طباطبایی (رضوان الله تعالی علیه) در حوزه علمیه قم پیدا شد؛ ایشان، هم فقیه بود و هم اصولی؛ هم می‌توانست درس خارج فقه مفصلی بدهد؛ هم می‌توانست درس خارج اصول مفصلی ترتیب دهد و فضلا را جمع کند؛ اما او به کاری پرداخت که آن روز آن را لازم می‌دانست. بعد هم حوادث و وقایع شهادت داد بر این که اینها لازم است.

پرده ششم: دانشمند هوشمند و صحنه‌شناس

رهبر معظم انقلاب ۲۱ تیرماه سال ۱۴۰۲ در دیدار مبلغین و طلاب حوزه‌های علمیه سراسر کشور درباره لزوم حمله به مبانی فکری طرف مقابل در امر تبلیغ می‌فرماید: حزب توده اساساً متکی بود به یک دستگاه فکری و سیاسی گسترده‌ای به نام «شوروی»؛ توده‌ای‌ها اصلاً از آنجا استفاده می‌کردند، تغذیه می‌شدند، ارتزاق مادی و فکری می‌کردند؛ با منبع مارکسیسم مواجهید. لذا اینجا دانشمندان هوشمند آن روز ما، مثل مرحوم علامه طباطبایی، نرفتند سراغ اینکه جواب این‌ها را بدهند، جواب مارکسیسم را دادند؛ این روش رئالیسم جواب مبانی فکری مارکسیستی است.

به گزارش خبرنگار گروه سیره امامین انقلاب خبرگزاری رسا، در این گزارش برآنیم تا سیمای تابناک علامه فقید را در هشت پرده از منظر نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی به تماشای بنشینیم:

پرده اول: رفتار، زندگی و حرف‌های آرامبخش، شفافیت و نورانی

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی ۲۹ مهرماه ۱۳۸۹ در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم درباره لزوم فیض بردن از معنویات و تهذیب در نظام رفتاری حوزه از مرحوم علامه طباطبایی نام می‌برند و می‌فرمایند: در همین قم، مرحوم حاج میرزا جواد آقای ملکی، مرحوم علامه طباطبایی، مرحوم آقای بهجت، مرحوم آقای بهاء‌الدینی قله‌های تهذیب در حوزه بودند.

پرده دوم: روشن‌کننده چراغ علوم عقلی در قم

ایشان ۲ آبان‌ماه ۱۳۸۹ نیز در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و طلاب نخبه حوزه علمیه قم درباره اینکه کار معنویت، کار دلدادگی به عالم معنا، در حوزه اساس کار است، می‌فرمایند: شما ببینید یک نفس گرم مثل حاج میرزا علی آقای قاضی در نجف چقدر برکات درست کرد. شاگردهای مرحوم آقای قاضی هر جا که بودند، مایه‌ی برکت شدند؛ یک نمونه‌اش مرحوم علامه طباطبایی (رضوان الله تعالی علیه) که قم را روشن کرد؛ چراغ علوم عقلی را در قم ایشان روشن کرد و ادامه داد و با مشکلات ساخت.

پرده سوم: روشنفکر اجتماعی و معتقد به لزوم مبارزه روحانیت

امام خامنه‌ای درباره نظر علامه طباطبایی در خصوص لزوم حضور روحانیت در میدان مبارزه در ۲۲ آبان‌ماه ۱۳۹۶ در دیدار دست‌اندرکاران کنگره شهدا و ایثارگران روحانی استان قم می‌فرماید: مرحوم علامه طباطبایی (رضوان الله علیه) جزو روحانیون روشنفکر و دارای افکار اجتماعی بود، در تفسیر میزان ایشان، این خصوصیت سرتاپا در مرحوم علامه طباطبایی مشخص است؛ لکن ایشان در میدان مبارزه حضور نداشتند، نبودند.



دعا، سلاح امیدوارانه مبارزه

زهرة صابر

دعا تجلی گاه عشق است به ذات مقدس اله و ابراز فقر است در پیشگاه غنی مطلق. در نگرش اسلامی دعا تجلی حکمت است، آگاهی بخش است، سلاح مبارزه است، روح پرور است و به انسان مؤمن و واله می‌آموزد چگونه خواستن و چگونه شدن را.

در دوران اختناق‌های شدید، تحریم‌ها و محدودیت‌های شیعه، این انسان ۲۵۰ ساله بود که بیرون حقیقت و رهروان ولایت را، با خزانه عظیمی به نام دعا، آشنا و مکتب نیایش را پایه‌گذاری کرد. مکتبی که در عالی‌ترین شکلش توسط امام سجاد علیه‌السلام به مردمان همه اعصار معرفی شد و جاودانگی سرنوشت آن است؛ چراکه کلمه حق، باقی‌ست و گفتار باطل دچار فنا و فراموشی است. دعا صعود میکند به عرش و اجابت، حکم محتوم دعای خالصانه بندگان است. چنانچه فرمود: تمنا مژده‌ای است از حق به حصول.

«ابطه دعا، رابطه قلبی شما با خداست. دعا، یعنی خواستن و خدا را خواندن. خواستن، یعنی امیدواری.» ۱۳۶۹/۱/۱۰ دعا ریسمان اتصال آدمی‌ست به آسمان، آویزان شده از طاق عرش؛ تالگو نور ازلی امید است درون قلب، پیشرفته‌ترین سلاح معنوی است برای جهاد و نیز وسیله‌ای برای بیان افکار اجتماعی و بینش اصیل پیروان یک آیین است. دعا رسانه‌ای است برای تبلیغ نگرش و جهان‌بینی، ابراز‌گر عاطفه و ... حماسه است و همچنین سرنوشت خاص هر مکتبی را بر لوحی می‌نمایاند چرا که انگیزه‌ها، آرزوها، آراده‌ها، آرمان‌ها و اهداف را در بر دارد.

صحیفه سجاده را که ورق می‌زنی؛ زیبایی تعبیر، موسیقی کلام، لطافت کلمات، بلندی معنا و ... حقیقت نگرش تو را به خود مجذوب می‌کند و اینچنین انسان را می‌شناسی و عوالم آفرینش را، جهان را می‌شناسی و حقیقت راه، ظلم را می‌شناسی و ... مظلومیت را؛ می‌خوانی، می‌آموزی، تربیت می‌شوی و برای اعتلای حق قیام می‌کنی چراکه میدانی تقدیر بلند حق طلبان تاریخ به قیام و ... مقاومت و مبارزه گره خورده است و پیروان راستین حقیقت، قیام‌کنندگان بر علیه ظلم‌اند.

در منظومه فکری و اعتقادی شیعه، دعا قانون دارد. آغشته به صبر است، قرین امیدواری است و توأم با سعی و جهد. دعا تمنا و خواستن است و امروز اگر انسان مقاوم و مظلوم فلسطینی در حال مبارزه‌ای تمام‌عیار با جنایتکاران خونخوار صهیونی است؛ ما حق سکوت و انفعال نداریم و باید با خواستن و تلاش کردن، بایستیم در برابر هر ستمگر جبار و جنایتکاری؛ خواه رژیم صهیونیستی باشد یا شیطان بزرگ.

دعا در چهره مردانی مثل امام سجاد علیه‌السلام زیباست. در چهره همه کسانی که به خداوند معتقدند و راه جهاد و مبارزه را برای اعتلای حق و نابودی باطل پیش گرفته‌اند. دعا در اندیشه خمینیون، در دستان مقاوم اسماعیل‌ها، در چشمان پرنفوذ یحیی سنوارها، در لحن و ادبیات با صلابت و امیدوارانه‌ی نصرالله‌ها زیباست. بیایید در عصری که به ابتلائات عظیم آزموده می‌شویم و در قاموس باورمان مرگ سرخ معنا دارد، به دعا و کلمه و تفکر پناه ببریم. دل‌بسیریم به خدایی که در میدان است و مؤمنانه نفس کشیدن را تمرین کنیم؛ شجاع و با صلابت و مقاوم و صبور. آنچه جبهه‌ی مقاومت از ما می‌خواهد، تقویت ایمان است و تلاش است و دعا و توکل، و البته فراموش نکنیم که «بر همه‌ی مسلمانان فرض است که با امکانات خود در کنار مردم لبنان و حزب‌الله سرفراز بایستند.» ۱۴۰۳/۷/۷



خصوصیات اخلاقی و ... شخصیت سیدمصطفی است. شخصیت سیدمصطفی برای خود من هم خیلی عجیب بود اینکه یک نوجوانی از ۱۴ سالگی سرکار برود تا هزینه خرید کتاب‌هایی را که دوست دارد به دست بیاورد. این شهید حتی وقتی هم به سوریه می‌رود چند کتاب با خودش می‌برد. رفتن سیدمصطفی در مسیری که به دفاع از حرم و شهادت ختم شده به دلیل مطالعاتی بود که در رابطه با زندگی شهید بابایی، شهیدچمران و همچنین شهید آوینی انجام داده بود. اینها نکاتی هستند که شخصیت اصلی این کتاب را خیلی خاص می‌کنند.

سیدمصطفی یک شهید ۲۰ ساله و به نوعی جوان‌ترین شهید در بین شهدای مدافع حرم محسوب می‌شود. وقتی که در سوریه بودند برای روز تولدش جشنی گرفته می‌شود و درست سه روز بعد از این جشن ایشان به شهادت می‌رسد؛ برای همین اسم کتاب را با مشورت دوستان انتشارات روایت فتح «بیست سال و سه روز» گذاشتیم.

خط‌شکنی «بیست سال و سه روز» در صورت‌بندی کلیشه‌ای از شهدا

سمانه خاکبازان

کتاب «بیست سال و سه روز»، دو ویژگی شاخص دارد؛ یکی اینکه جزو سه اثری است که رهبر انقلاب بر آنها تقریظ نوشتند و روز ۳۰ آبان‌ماه در روز قهرمان ملی از آنها رونمایی می‌شود و دومین ویژگی آن نیز شخصیت اصلی کتاب است که جوان‌ترین شهید مدافع حرم است. سمانه خاکبازان، نویسنده این کتاب سوزه اصلی داستان‌ش را به شکلی عینی و ملموس روایت می‌کند بدون اینکه بخواهد از قهرمان داستان‌ش شخصیتی فرازمینی و غیرقابل دسترس بسازد. در این گفتگو با این نویسنده به مباحث فرعی، اسنادی و روایی کتاب پرداخته شده است.

دو فصل ابتدایی این کتاب که روایتی از خانواده و دوستان این شهید است به دوران کودکی و نوجوانی او می‌پردازد و فصل سوم به دوران ورود به نیروی هوای و تمرین‌های سختی که پشت سر می‌گذارد اشاره دارد.

فصل چهارم و پنجم به اعزام و اقدامات این شهید در سوریه اشاره دارد که از زبان هم‌رزمان و فرماندهانش روایت شده است.

فصل ششم کتاب در خصوص زمان شهادت شهید موسوی و حوادثی است که برای خانواده او رقم می‌خورد. سمانه پاکبازان: گاهی در کتاب‌هایی که در حوزه دفاع مقدس منتشر می‌شود یک بزرگنمایی در خلق شخصیت‌ها صورت می‌گیرد و در این کتاب سعی شده تا تصویری واقعی از شهید موسوی منتقل شود. او جوانی سخت‌کوش، آرام، باهوش و اهل تعمق بود که مانند سایر هم‌نسل‌هایش زندگی می‌کرد، اما سیر تأمل و تفکرش باعث شد تا او به آرزوی بزرگ‌تری برسد و برای شهادت پا به میدان جنگ بگذارد.

گزیده گفتگو جوان سمانه پاکبازان را می‌خوانیم:

از تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب «بیست سال و سه روز» چطور

مطلع شدید و اصلاً چه شد که کتاب را نوشتید؟

حدود یک ماه پیش بود که به بنده و انتشارات اعلام شد کتاب



اذعان اسرائیل بر شکست در جنگ

سرلشکر ذخیره ارتش رژیم صهیونیستی گفت: نیروهای ما تا عمق ۳ کیلومتری جنوب لبنان وارد شده‌اند و سربازان از خدمت نظامی سر باز می‌زنند

وی افزود: روزانه صدها موشک از لبنان به سوی ما شلیک می‌شود و این جنگ ما را ویران می‌کند.

بریک اعتراف کرد: ما حزب‌الله را بشدت هدف قرار دادیم اما هنوز با نابودی کامل آن فاصله داریم.

این ژنرال بازنشسته رژیم صهیونیستی در خصوص شکست این رژیم برابر گروه‌های مقاومت فلسطین نیز اذعان کرد: ارتش هنوز حماس را شکست نداده است.

وی همچنین به اسرائیل کانس وزیر امور خارجه پیشین و وزیر جنگ کنونی رژیم صهیونیستی طعنه زد و گفت: یک وزیر جنگ جدید فاقد صلاحیت و بی‌تجربه منصوب شده و نتایج او عملاً خود وزیر جنگ است.

وی ۹ آبان ماه نیز اذعان کرده بود که این رژیم با پیروزی در جنگ بسیار فاصله دارد و مبارزان حماس همچنان در تونل‌ها حضور دارند و برای دو سال دیگر تدارکات آماده کرده‌اند.

بریک تصریح کرد که ارتش در مورد تونل‌های حماس در غزه دروغ می‌گوید و بیشتر این تونل‌ها سالم و در دست حماس هستند.

وی همچنین گفت ارتش برای کنترل غزه تا مدت طولانی با مشکلات و سختی زیادی مواجه است زیرا قدرت آن رو به کاهش است.

ژنرال بریک تاکید کرده بود که رئیس ستاد کل ارتش شکست خورده و ناتوان است و اعتماد فرماندهان ارشد ارتش به او از دست رفته و او باید کنار برود.

مناطق مرزی جنوب لبنان از ۸ اکتبر ۲۰۲۳ (۱۶ مهر ۱۴۰۲)، یک روز پس از اعلام جنگ رژیم اسرائیل علیه مردم نوار غزه، شاهد تبادل آتش بین ارتش رژیم صهیونیستی و حزب الله است.

با آغاز عملیات «طوفان الاقصی» توسط گروه‌های مقاومت فلسطین، حزب‌الله لبنان در راستای درگیر کردن بخش عمده‌ای از نظامیان صهیونیست در شمال فلسطین و کاهش فشار بر مقاومت در غزه، به اجرای عملیات‌های روزانه و سنگین علیه اهداف رژیم صهیونیستی در داخل خاک فلسطین اقدام کرده است.

در اثر این حمله‌ها، تاکنون برخی از پایگاه‌های رژیم اسرائیل نابود شده، ادوات نظامی از قبیل تانک‌ها، نفربرها و خودروهای زرهی صهیونیست‌ها نیز هدف مقاومت لبنان قرار گرفته است و شمار زیادی از نظامیان صهیونیستی نیز به هلاکت رسیده یا زخمی شده‌اند.

سایه طوفان انگلیس ته کشیده است!

از زمان آغاز به کار دولت جدید انگلیس، این کشور هیچ موشک سایه طوفانی را به اوکراین ارسال نکرده و گزارش‌ها حاکی از آن است که این امر از کمبود شدید این موشک‌ها در انبارهای تسلیحاتی انگلیس ناشی شده است. یک رسانه انگلیسی گزارش داد که از زمان روی کار آمدن دولت جدید این کشور با نخست‌وزیری «کر استارمر»، لندن دیگر موشک‌های «استورم شدو» یا «سایه طوفان» را به اوکراین ارسال نکرده است، زیرا تعداد این موشک‌ها در انبارهای تسلیحاتی انگلیس کاهش یافته است.

به گفته منابع نظامی، توقف ارسال موشک‌های سایه طوفان از انگلیس به اوکراین ناشی از کاهش تعداد این موشک‌ها در انبارهای تسلیحاتی انگلیس است. در این گزارش آمده است: «این احتمالاً ناشی از این واقعیت است که ذخایر بریتانیا به سطحی رسیده است که فرماندهان نظامی برای کاهش مضاعف آن آماده نیستند، زیرا برای حفاظت از منافع بریتانیا، لندن باید تعداد مشخصی از این موشک‌ها در انبارهای خود داشته باشد.»

به گزارش تایمز، فشار بر آمریکا برای صدور مجوز استفاده کی‌یف از تسلیحات دوربرد غربی برای حمله به عمق خاک روسیه در حال افزایش است و مدت‌هاست که کی‌یف خواستار استفاده از موشک‌های انگلیسی سایه طوفان و فرانسوی «اسکالپ» برای حمله به پایگاه‌ها و دارایی‌های نظامی روسیه در خاک این کشور است. موشک‌های سایه طوفان بردی در حدود ۲۵۰ کیلومتر دارند و کی‌یف قبلاً از آن‌ها برای حمله به نیروی دریایی روسیه در دریای سیاه و در شبه‌جزیره کریمه استفاده کرده است.

نگاهی به برنامه سفارشی پنتاگون به سی‌ان‌ان...

کریم جعفری

هفت ماه پس از حمله وعده صادق ۱ و مانند همیشه رسانه‌های امریکایی که بخشی از سیاست رسمی این کشور هستند، شروع به داستان‌سرای و روایتگری از نقش امریکایی‌ها در این حمله کرده‌اند. دیدم که تقریباً بیشتر رسانه‌های فارسی زبان داخلی و حتی خارجی این گفت‌وگو را پوشش داده و برخی نیز نعل به نعل آن را ترجمه کرده‌اند. هر کسی هم تیرتری انتخاب کرده که برخی از آن‌ها از عنوان «شب سخت» برای خلبان‌های امریکایی استفاده کرده‌اند.

مخالف انتشار چنین مطالبی نیستم (اصلاً به من چه!) ما اگر قرار است این مطالب و موارد منتشر شود، نیاز است که در این زمینه همیشه توضیحی هم در کار باشد تا مخاطب بداند که با چه موردی مواجه است. در بخش رسانه‌هایی که خیلی خیلی مدعی هستند ما چیزی به اسم خبرنگار در قامت خبرنگار نداریم و عده‌ای مترجم هستند که هر چیزی را دیدند ترجمه می‌کنند و نمی‌دانند که اصلاً منظور طرف چیست، حتی مسوولان و سردبیران این رسانه‌ها هم عموماً نمی‌دانند که داستان از چه قرار است.

ارتش امریکا و در مجموع وزارت جنگ این کشور در بخش رسانه‌ای قدرتمند عمل می‌کند و سالانه میلیاردها دلار در این زمینه هزینه می‌کند؛ از انتشار خبر و گزارش بگیرد تا نقش آفرینی در هالیوود برای تهیه فیلم‌هایی در مورد ابرقهرمانان امریکایی و نقش آن‌ها در نجات جهان! این گزارش سی‌ان‌ان نیز خارج از این مقوله نیست و متأسفانه همه مثل همیشه در بازی امریکایی‌ها افتادند! خلبان‌های امریکایی جوری دست به روایتگری زده‌اند که تو گویی با یک نبرد هوایی روبه‌رو بوده‌اند، نه با یک اقدام پدافندی صرف.

این گزارش به گونه‌ای تهیه شده که از خلبان‌ها و جنگنده‌های امریکایی چنان قدرتی بسازند که بیا و ببین! در حالی که واقعیت کاملاً برعکس است. این خلبان‌ها و نیروی هوایی امریکا و ناتو به همراه صهیونیست‌ها در آن شب هیچ غلط خاصی نکردند و هیچ هنری به خرج ندادند و به همین دلیل است که سی‌ان‌ان آمده تا از این «هیچ» یک چیزی بسازد چرا که پس از عملیات وعده صادق ۲ که رینگ چندلایه پدافندی ناتو زاپدید، آنچه آن‌ها در مورد دفع حمله ایران در وعده صادق ۱ گفته بودند هم زیر سوال رفت. از همین بابت است که این گزارش با این شکل و شمایل تهیه شده و مخاطب بیچاره فارسی زبان هم بدون هیچ فهمی آن را می‌خواند و به «هنرنمایی» خلبان‌ها و قدرت «هواپیما»های امریکایی احسنت می‌گوید!!!!

اما آنچه در وعده صادق ۱ روی داد برای سیستم پدافندی ناتو واقعاً یک آبروریزی بود؛ بیش از ۱۸۰ فقط هواپیمای جنگی در کنار ده‌ها سوخترسان و هواپیمای شناسایی و تمام قدرت پدافندی روی زمین... دقت کنید، ایران در مجموع حدود ۱۸۰ موشک کروز و پهپاد پرتاب کرد و درست برابر آن هواپیمای جنگی در آسمان منطقه برسه می‌زدند؛ یعنی به ازای هر هواپیمای جنگی یک پهپاد یا موشک و این بدون محاسبه دیگر هواگردهای حاضر

در منطقه بوده است و ما در این گزارش می‌خوانیم که هواپیماهای امریکایی که در نقش زدن پهپادها و موشک‌های کروز وارد عمل شده و هر یک مسلح به ۸ تیر موشک بودند، عملاً موشک‌هایشان تمام می‌شد! متوجه شدید؟ ۱۸۰ هواپیمای جنگی که همه مجهز به دستکم ۸ تیر موشک هوا به هوا بوده‌اند (یعنی ۱۴۴۰ تیر موشک هوا به هوا) برای درگیر شدن به ۱۸۰ پهپاد و موشکی که از دو هفته پیش مشخص بود که قرار است پرتاب شوند و کمی پیش از پرتاب نیز مشخص بود که زمان پرتاب‌ها کی است و در نهایت هم پهپادهایی با سرعت زیر

۲۰۰ کیلومتر که برای رسیدن به سرزمین‌های اشغالی بیش از ۶ ساعت در راه بودند و موشک‌های کروز که بیش از یک و نیم ساعت باید این مسیر را طی می‌کردند... بفرمایید که دقیقاً هنر خلبان‌ها و هواپیماهای نیروی هوایی ناتو به همراه رژیم صهیونیستی دقیقاً چه بوده است؟ برپود و قیمت هر تیر موشک ارام، سایه‌نویز، متتور و... را پیدا کنید تا فقط در این زمینه هزینه‌ها را دریابید...

نیروی هوایی ناتو فقط به مقابله با موشک‌های کروز و پهپادها برخاست و در برابر موشک‌های بالستیک هیچ غلطی نتوانست کند، کما اینکه پدافند امریکا هم در این زمینه کاری کرد که صهیونیست‌ها خودشان دست به تمسخرش زدند. در وعده صادق ۱ نیروی دریایی امریکا ۸ تیر موشک استاندارد را به سمت موشک‌های بالستیک ایرانی شلیک کردند که به ادعای خودشان فقط دو رهگیری موفق داشتند!! حالا بماند اینکه پدافند ناتو روی زمین در برابر همین بالستیک‌ها کاری از پیش نبرد و بخش بزرگی از این موشک‌ها به هدف خود رسیدند. کما اینکه تعدادی از پهپادها و موشک‌های کروز نیز توانستند از سد این حجم از هواگرد عبور کرده و به اهداف از پیش تعیین شده اصابت کنند. همین مساله باعث شده تا پنتاگون پروژه‌های تعریف کند و مانند

حمله به عین‌الاسد که سه روز پس از اصابت موشک‌ها خبرنگاران به صورت مدیریت شده وارد پایگاه شدند، ۷ ماه پس از حمله وعده صادق ۱ سی‌ان‌ان را مأمور کند تا در این زمینه روایت سازی کند؛ از کار سخت و طاقت‌فرسای خلبان‌ها و قابلیت‌های ویژه هواپیماهای امریکایی بگوید. کسی که کمترین آگاهی را از مسائل نظامی داشته و اهل چرتکه انداختن است، می‌تواند با یک جمع و تفریق به خوبی بداند که آنچه سی‌ان‌ان گزارش کرده بیشتر ماله‌کشی روی هزینه سنگینی است که غربی‌ها در دفع یک حمله کم هزینه ایران کرده‌اند.

مثلاً در آن شب خلبان‌های غربی، به ویژه امریکایی با کدام نیروی هوایی روبه‌رو شده بودند که تا این اندازه ترسیده و وحشت زده شده بودند؟ هیچ نبرد هوایی در میان نبود، از آسمان عراق تا ساحل مدیترانه به میدان قیقاچ آن‌ها تبدیل شده بود و ده‌ها هواگرد و ایستگاه زمینی دستورالعمل می‌گرفتند. نکته جالب‌تر



آنکه، وزارت جنگ امریکا به سراغ خلبان هواپیماهای اف-۱۵ رفته و سوال این است که چرا در این مورد با خلبان‌های اف-۳۵ یا اف-۲۲ صحبت نشده است؟ نه اینکه آن‌ها تا این سطح و اندازه در مورد نقش این هواگردها صحبت کرده و حتی به دروغ گفتند که خود را تهران هم رسانده‌اند...

در پایان این مخاطب است که باید ضریب هوشی بالایی داشته باشد تا بداند تا چه مساله‌های روبه‌رو است. در حمله تک‌مرحله‌ای و کاملاً آشکار ایران نیروی هوایی ناتو تا این سطح کم‌خرد کرد و اگر حملات در سه تا چهار مرحله بود، به نظر شما چه اتفاقی می‌افتاد؟

اما سوال بسیار مهم و اساسی...

سی‌ان‌ان و پنتاگون بگویند که وضعیت نیروی هوایی امریکا در عملیات وعده صادق ۲ چگونه بود؟ خلبان‌های امریکایی تا آمدند بجنیند، موشک‌ها به سرزمین‌های اشغالی رسیده و به اهداف پهپودی اصابت کرده بودند. در آن شب امریکایی‌ها فقط ۳۵ دقیقه پیش از حمله متوجه شدند که ایران می‌خواهد حمله کند. صهیونیست‌ها نیز فقط فرصت کردند تعدادی از سوخترسان‌های خود را از پایگاه نواتیم فراری دادند تا شرق مدیترانه پرواز کنند تا حمله تمام شود.

گزارش سی‌ان‌ان در واقع مستندنگاری خدماتی است که دولت بایدن برای حفظ امنیت رژیم صهیونیستی کرده است؛ ولی وعده صادق ۱ اصلاً برای زدن آنچنانی طراحی نشده بود؛ کما اینکه حجم وعده صادق ۲ نیز به اندازه انتظار ما نبود ولی به هر حال، از ۱۹۲ تیر موشکی که شلیک شد ۱۸۰ فروند به اهداف خود اصابت کرد و نه خبری از خلبان‌های امریکایی بود و نه هواپیماهای جنگی این کشور...

تلاش برای برجسته کردن هواپیماهای اف-۱۵ همانگونه که گفته‌ام به نوبه خود عجیب بود... توصیه می‌کنم با خواندن این تحلیل و یادداشت بروید و گزارش سی‌ان‌ان را ببینید. اگر روزی قرار شد که خلبان‌های امریکایی در یک نبرد هوا به هوا مشارکت کنند، بدون شک خودشان را خیس می‌کنند مانند نبردهای ویتنام که بیش از ۸ هزار هواگرد امریکایی توسط ویت‌کنگ‌ها سرتنگون شد، اما در رسانه‌های ما حتی به یک درصد این هم رضایت نمی‌دهند...

مجوز غرب به زلنسکی برای استفاده از موشک‌های دوربرد



دولت ۴ ساله ترامپ هستند و با شلیک موشک به عمق خاک روسیه در طول چند هفته آینده و پاسخ احتمالی روس‌ها، هر آن چیزی که به عنوان پایان جنگ در دوره ترامپ خوانده شده بی‌معنا می‌گردد؛ ولی باید این را مدنظر قرار داد که این اتفاقی خوب و میمون برای ایران است. ادامه جنگ در شرق اروپا و حمله به عمق خاک روسیه سران کرم‌لین را وادار خواهد کرد تا برای دستیابی به موشک‌های تاکتیکی ایرانی به سمت تهران حرکت کنند. در این معادله و معامله تفاوت سودمندی روی می‌دهد که در طول زمان می‌توان اثرات آن را دید.

از طرف دیگر روس‌ها در پاسخ به تسلیح کردن مزدوران غرب در اوکراین در سایر جبهه‌ها نیز می‌توانند واکنش عملی نشان دهند.

بیش از این آنها تهدید کرده بودند که در صورت این اقدام ارتش من را به موشک‌های دوربرد ضد کشتی و اطلاعات به روز مجهز کرده و تسلیحات و تجهیزات راهبردی در اختیار دشمنان آمریکا و ناتو قرار خواهند داد. تلاش غربی‌ها برای ادامه درگیری‌ها در اوکراین بدون شک آنها را در دیگر محورهای جنگ در سطح جهان دچار مشکل به بحران خواهد کرد و این هم به نفع ما است. شاید انتظار مقامات مسکو برای روی کار آمدن ترامپ و برقراری یک معامله با او حالا پیش از پیش خارج از دسترس نشان می‌دهد و آنها باید خود را برای یک جنگ طولانی و چند سالی دیگر در اوکراین آماده کنند.

در این نقشه شما محدوده تحت پوشش موشک‌هایی که ناتو در اوکراین مستقر کرده را مشاهده می‌کنید و همانگونه که می‌بینید بسیاری از شهرهای مهم روسیه در رد این موشک‌ها قرار دارند. ارتش روسیه به ویژه نیروی هوایی و سامانه‌های پدافندی این کشور در طول روزهای آینده مأموریت سخت و پیچیده‌ای بر

عهده دارند تا هر حمله احتمالی توسط هواپیماهای جنگی ناتو به عمق خاک این کشور را رهگیری و نابود کنند. بدون شک هواگردهای ناتو در این حملات مشارکت خواهند کرد و اقدام به شلیک موشک‌های هوا پرتاب به عمق خاک روسیه می‌کنند. اینجا است که شاید مشاهده درگیری‌های مجدد هوایی میان نیروی هوایی روسیه و ناتو باشیم و از طرف دیگر جنگ شدت و حدت بیشتری پیدا خواهد کرد.

مسعود صبغی

افزایش «قیمت خودرو» آرامش یا التهاب بازار؟



سایپا و ایران خودرو با افزایش ۲۳ تا ۳۳ درصدی متوسط قیمت محصولات خود، بازار خودرو را شوکه کردند. کارشناسان معتقدند این تصمیم که با توجیه افزایش هزینه‌های تولید گرفته شده است، می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای را به همراه داشته باشد. افزایش قیمت خودرو پس از مدت طولانی تثبیت قیمت آن و به صورت ناگهانی انجام شده است در حالی که می‌توانست به صورت تدریجی و بدون وارد کردن شوک به بازار انجام شود. همچنین این اقدام، مستلزم افزایش میزان تولید خودروهای داخلی است به نحوی که ضمن تحویل تعهدات گذشته، عرضه‌های گسترده و جدید نیز در دستور کار این دو خودروساز باشد.

در اقدامی ناگهانی و بدون اطلاع قبلی، شرکت‌های سایپا و ایران خودرو طی اطلاعیه‌ای رسمی، از افزایش متوسط قیمت ۲۳ تا ۳۳ درصدی محصولات خود خبر دادند. این تصمیم که در ساعات پایانی یکشنبه گذشته اعلام شد، پیامدهای گسترده‌ای در اقتصاد کشور خواهد داشت. این تصمیم در حالی اتخاذ شده است که صنعت خودروی کشور با چالش‌های جدی از جمله کیفیت پایین محصولات، عدم تنوع و قیمت‌های بالا مواجه است.

افزایش قیمت مواد اولیه، نوسانات نرخ ارز و برخی چالش‌های تولید از جمله مواردی است که به عنوان توجیه این تصمیم مطرح شده است. با این حال، منتقدان معتقدند این افزایش قیمت بیشتر ناشی از بهره‌وری پایین، زبان‌های انباشته خودروسازان و بهره‌برداری از موقعیت انحصاری آن‌ها در بازار صورت گرفته است.

افزایش تدریجی و ملایم قیمت‌ها به جای شوک درمانی

در این شرایط، انتظار می‌رود دولت و نهادهای نظارتی تدابیری اتخاذ کنند تا از افزایش بی‌رویه قیمت خودرو جلوگیری کرده و از حقوق مصرف‌کنندگان دفاع کنند. افزایش ۲۳ تا ۳۳ درصدی متوسط قیمت کارخانه‌ای محصولات سایپا و ایران خودرو، تصمیمی است که ضمن وارد کردن شوک به بازار خودرو، انتظارات تورمی را نیز بالا خواهد برد و ممکن است به سایر بازارها نیز تسری پیدا کند.

نکته حائز اهمیت این است که اگر این اتفاق بر اساس مستندات و ناشی از افزایش قیمت نهادهای تولید است، چرا با فواصل طولانی بعضاً دو ساله و نرخ بالا اتفاق می‌افتد؛ در حالی که می‌توان با نرخ‌های پایین و فواصل کوتاه مدت یک ساله یا ۶ ماهه و با نرخ‌های زیر ۱۰ درصد این کار را انجام داد.

فایده افزایش نرخ‌های کوتاه مدت و پایین این است که هیجان به بازار خودرو وارد نمی‌کند و همچنین باعث می‌شود که خودروسازان محصولات خود را با زبان تولید نکنند و این مسئله موجب افزایش زبان انباشته خودروسازان نشود.

ضرورت مشارکت با چین در حوزه خام‌فروشی

احمد حسینی فرد- پیام‌پرنده

دکتر احمد حسینی فرد عضو اتاق صادرات اتاق بازرگانی ایران در مصاحبه با برنامه «گفتگوی اقتصادی» رادیو گفت‌وگو در رابطه با بررسی راهکارهای جلوگیری از تجارت خام اظهار کرد: دولتی بودن اقتصاد در ایران موجب پیچیدگی فضای کسب‌وکار در مقایسه با کشورهای در حال توسعه و حتی کشورهای همسایه شده است.

وی افزود: در شرایطی که رتبه برخی کشورهای در حال توسعه در شاخص سهولت فضای کسب‌وکار زیر ۲۰ است؛ اما کشور ما در جایگاه ۱۲۷ تا ۱۳۷ قرار دارد.

عضو اتاق صادرات اتاق بازرگانی ایران ضمن انتقاد از اینکه دولت‌های ما همانند کشورهای کره جنوبی، چین، ژاپن و ترکیه برون‌سپاری نکرده‌اند اظهار کرد: بخش خصوصی ما در جهان جزو قوی‌ترین‌هاست اما در کشور خودمان ضعیف‌ترین است.

حسینی فرد همچنین احداث ۵۰ منطقه آزاد و ویژه با تفکر و روش دولتی را اشتباه دانست و گفت: تأسیس مناطق آزاد با مدیریت مدیران دولتی هیچ تناسبی ندارد.

وی با بیان اینکه ما مشکل پروژه‌ای و حتی مشکل مغز و ایده هم نداریم تصریح کرد: بخشی از مشکلات ما ناشی از آثار تحریم است. هم اکنون تراز تجاری بخش خصوصی و بخش دولتی ما منفی است و حتی خام‌فروشی و ارزآوری را هم با خواش و تمنا انجام می‌دهیم؛ چون سیستم تجاری ما سیستم صرافی امنی نیست و این موضوع از نظر خریدار یک عمل پرریسک محسوب می‌شود.

عضو اتاق صادرات اتاق بازرگانی ایران ادامه داد: پارلمان بخش

همچنین ضمن تداوم واردات خودروهای خارجی، نرخ ارز نیز مدیریت شود و نوسانات شدید در بازار غیر رسمی ارز رخ ندهد.

اثرات متناقض افزایش قیمت خودرو بر بورس

افزایش قیمت محصولات خودروسازان می‌تواند تأثیر مثبتی بر سهام این شرکت‌ها در بورس داشته باشد. بهبود درآمد و سودآوری خودروسازان می‌تواند به رشد شاخص کل بورس کمک کند. با این حال، نگرانی‌هایی درباره کاهش تقاضا و تأثیر آن بر فروش شرکت‌ها وجود دارد.

سهام خودروسازان ممکن است در کوتاه‌مدت با افزایش قیمت مواجه شود، اما در بلندمدت، این افزایش قیمت می‌تواند به دلیل کاهش تقاضا و رکود، بر سودآوری شرکت‌ها تأثیر منفی گذاشته و منجر به کاهش ارزش سهام شود.

این امر می‌تواند ضمن کاهش قدرت خرید مردم، تقاضا برای خودرو را کاهش دهد و این صنعت را دچار رکودی مشابه سال ۱۳۹۷ در بازار خودرو کند. در این صورت، این تصمیم نه تنها کمکی به خودروسازان داخلی در افزایش سود و کم کردن زبان انباشته آنان نمی‌کند بلکه با کاهش فروش و ایجاد رکود در بازار خودرو منجر به تشدید مشکلات مالی ایران خودرو و سایپا نیز گردد.

در نهایت، این افزایش قیمت که می‌توانست با رویکردی تدریجی‌تر اعمال شود، نیازمند سیاست‌های حمایتی هوشمندانه و مدیریت دقیق بازار است تا از تبدیل شدن آن به عاملی برای تشدید مشکلات صنعت خودرو و افزایش نارضایتی مصرف‌کنندگان جلوگیری شود.



فرایند ارز جایگزین دلار در درازمدت به نتیجه می‌رسد

یاسر بر خورداری - هاید طالبیان مقدم

یاسر بر خورداری عضو هیئت‌علمی دانشگاه و رئیس مرکز همکاری‌های غیردولتی ایران در بریکس در مصاحبه تلفنی با برنامه «گفتگوی اقتصادی» رادیو گفت‌وگو درباره دلارزدایی بریکس و الزامات پیشرو اظهار کرد: رویکرد ما نسبت به ظرفیت کنونی گروه بریکس و مسیری که قرار است طی شود باید واقع‌بینانه باشد.

وی افزود: ما نباید نگاه تبلیغاتی و زودبازده به بریکس داشته باشیم؛ چراکه مبادلات اقتصادی کشورهای عضو بریکس با قدرت‌های دنیا طی سال‌های گذشته شکل گرفته است.

رئیس مرکز همکاری‌های غیردولتی ایران در بریکس تصریح کرد: نباید انتظار داشت که فرایند ارز جایگزین دلار در بازه زمانی ۵ ساله و ۱۰ ساله به نتیجه برسد؛ اما مسلم است که این فرایند طولانی‌مدت حتماً به نتیجه موردنظر خواهد رسید؛ چراکه اقتصادهای نوظهور در دنیا روند پیشرفت خود را پایش می‌کنند و این روند هم اکنون رو به رشد است.

بر خورداری گفت: افزایش تعداد کشورها در پیمان‌های بین‌المللی نقطه قوت ارزیابی نیست؛ اما با توجه به ظرفیت و نقاط قوت و مزیت‌های رقابتی این کشورها می‌توان گفت که «بریکس» در حوزه منابع و اقتصادهای نوظهور یک ظرفیت جدید محسوب می‌شود.

عضو هیئت‌علمی دانشگاه افزود: سخت‌گیری بریکس در مورد پذیرش اعضای جدید و پذیرش اعضای جدید صرفاً به‌عنوان شریک نشان می‌دهد که بریکس به‌دوراز هیجان و شعارزدگی یک مسیر منطقی را طی می‌کند.

وی تعریف ارز جایگزین دلار را به‌عنوان مهم‌ترین مأموریت و شاکله تشکیل بریکس عنوان کرد و گفت: دلار در یک فرایند عجله‌ای به‌عنوان ارز مرجع در دنیا مطرح نشده که الان در یک بازه ۲ ساله و ۱۰ ساله حذف شود.

رئیس مرکز همکاری‌های غیردولتی ایران در بریکس در پایان برنامه، تبیین‌گری در مورد بریکس در جامعه را یک ضرورت خواند و اظهار کرد: ما باید یک‌زبان مشترک با مردم پیدا کنیم و این موضوع را به آنها انتقال دهیم که عضویت ایران در بریکس حاصل یک آینده‌پژوهی منطقی و خوبی بوده که در دولت‌های مختلف صورت گرفت و این عضویت قطعاً منفاعی را در سال‌های آینده نصیب کشورمان خواهد کرد.

در ادامه برنامه، هادی طالبیان مقدم مدیرکل دفتر شبه‌قاره هند سازمان توسعه تجارت ایران در مصاحبه با برنامه «گفتگوی اقتصادی» رادیو گفت‌وگو درباره دلارزدایی بریکس و الزامات پیشرو اظهار کرد: دلارزدایی ادبیاتی نیست که ایران از آن استفاده کرده باشد و این کلمه در ادبیات مطالعات و مقالات انگلیسی وجود دارد.

وی افزود: تعریف ارزهایی غیر از دلار یک خلاقیت و نوآوری است که می‌تواند سهمی از بازار را به خود اختصاص دهد البته در کوتاه‌مدت نمی‌تواند تمام سهم بازارهای مالی را از آن خود کند؛ چراکه این موضوع در درازمدت محقق می‌شود.

مدیرکل دفتر شبه‌قاره هند سازمان توسعه تجارت ایران از رشد ۱۱٫۳ درصدی حجم تجارت چین با کشورهای عضو بریکس نسبت به یک سال گذشته خبر داد و گفت: کشور چین حجم تجارت با کشورهای بریکس را ۵٫۱ درصد در سال گذشته اضافه کرده است. چین در برخی محصولات نیز توانسته ۵۰ درصد از تولیدات خود را به کشورهای عضو بریکس معرفی و صادر کند.

این مقام مسئول ادامه داد: کشور روسیه نیز در این مدت به حجم صادرات خود به کشورهای مرتبط اضافه کرده است و این نشان می‌دهد که ماهیت بریکس مبنی بر افزایش ظرفیت اقتصادی کشورهای عضو و ارتباط با جهان درست انتخاب شده و می‌توان چشم‌اندازی را برای آن در نظر گرفت.

طالبیان مقدم اظهار کرد: موفقیت گروه بریکس در اضافه کردن ارز رایج جدید در نظام تبادلات مالی یک مسئله زمان‌بر است؛ اما شواهد و قرائن نشان می‌دهد حداقل مزیت بریکس که در مقالات انگلیسی و گزارش‌های فارسی هم به آن اشاره شده، به‌عنوان یک فرصت برای کسب منافع بیشتر است.

مدیرکل دفتر شبه‌قاره هند سازمان توسعه تجارت ایران در این باور است که بریکس تلاشی برای گفتگوی تن‌به‌تن، ترویج تجارت و رشد سرمایه‌گذاری است.



پرنده خاطر نشان کرد: ما تقریباً روزانه ۱۱۲ میلیون لیتر بنزین تولید می‌کنیم و روزانه ۱۱۸ تا ۱۲۰ لیتر هم مصرف داریم که البته به اذعان خود مسئولان بنزین بی‌کیفیتی است. دکتر پزشکیان و هیئت دولت اخیراً دستور دادند بخش خصوصی بنزین سوپر وارد کند؛ اما بعد می‌دانیم کسی در کشور ما حاضر باشد بنزین را لیتری ۹۰ هزار تومان خریداری کند.

وی افزود: طبق آمار بازار فیزیکی بورس انرژی، ما از فروردین سال ۱۳۹۸ تا مهرماه ۱۴۰۳ تقریباً ۲۸ میلیون تن نفت عرضه کردیم که میانگین ۷ میلیون تن نفت در سال می‌شود و اگر افزونه اوکتان به‌جای بنزین وارد کشور شود پالایشگاه‌های کوچک و بزرگ و دولتی و خصوصی می‌توانند با ترکیب در مخزن بنزین تولید کنند.



نگاه بازاری به سینما

مهرداد غفرازاده

مهرداد غفرازاده، کارگردان سینما با اشاره به سختی‌های فیلمسازی در سال‌های اخیر گفت: در چهار سال گذشته نگاه به سینما به شدت بازاری و تجاری بود و همه به دنبال درآمدی هنگفت از فیلم‌ها بودند، به همین دلیل سطحی‌نگری در سینما به وجود آمد و سینمای مستقل و اجتماعی به فراموشی سپرده شد.

یک زمان همه فیلم‌ها جشنواره‌ای می‌شوند، زمانی دیگر همه فیلمسازان تحت تاثیر یک فیلم و یک کارگردان قرار می‌گیرند و فیلم می‌سازند. وقتی موج فیلم‌های کم‌مدی فروش می‌کند همه رویکرد ساخت فیلم کم‌مدی پیدا می‌کنند و در این ژانر فیلم می‌سازند.

من تیرماه امسال در نامه‌ای به رئیس‌جمهور جدید، آقای پزشکیان نوشتم که اکثریت اهالی سینما و هنر در بیکاری مفرط به سر می‌برند و این وضعیت برای کشوری که صاحب هنر و سینما در جهان است، شایسته نیست.

فیلم‌های کم‌مدی نجات‌دهنده‌گیشه

سینما در هفته گذشته با نمایش ۲۶ فیلم موفق شد به گیشه ۴۶ میلیارد تومانی دست پیدا کند. برخلاف آمار ماه‌های قبل این بار تعداد فیلم‌های غیر کم‌مدی بیشتر از آثار کم‌مدی است اما همچنان گیشه در تسخیر کم‌مدی‌هاست.

از ۱۰ فیلم پرمخاطب، ۶ فیلم غیر کم‌مدی ۶ میلیارد و ۹۵۱ میلیون عاید گیشه کرده و این موضوع در حالی است که ۴ اثر کم‌مدی‌ها ۳۶ میلیارد و ۵۷۸ میلیون تومان فروخته است. یعنی فروش آثار کم‌مدی ۶ برابر فیلم‌های دیگر است.

نکته دیگر اینکه فروش سینما در هفته‌ای که گذشت نسبت به هفته سوم آبان ماه کاهش ۶ میلیاردی داشته است.

سفر قهرمان جوزف کمبل

یوسف قوجق - علی ارسنجانی



نشست نقد و بررسی کتاب «روز اول، روز آخر» با حضور معصومه میرابوطالبی (نویسنده) یوسف قوجق و علی ارسنجانی در فروشگاه کتاب زیتون برگزار شد. یوسف قوجق؛ نویسنده حوزه کودک و نوجوان، درباره اثر گفت: این کتاب، یک اثر ادبی بسیار خوب است. تقریباً هیچ ایرادی ندارد. در نقد کتاب باید سره را از ناسره هیچ ناسره‌ای نداشت. تقریباً هیچ ایرادی نمی‌توان از این اثر گرفت.

وی افزود: می‌توان مراحل «سفر قهرمان» جوزف کمبل را در این داستان مشاهده کرد. در انسان‌شناسی مرحله گذار داریم و مراحل گذار را می‌توان در این داستان مشاهده کرد. مراحل گذار در زندگی انسان از قبیل تولد، ازدواج و مرگ را همه تجربه می‌کنند و در این کتاب نیز این مراحل گذار درباره شخصیت‌های داستان قابل مشاهده هستند. شخصیت مسعود، قهرمان داستان چندلایه بوده و به خوبی به آن پرداخته شده است. قوجق درباره مرزهای داستان اشاره کرد: نوجوان قصه در پایان به بلوغ می‌رسد. در داستان مرز بین نوجوان و بزرگسال به خوبی مشخص است. همچنین در داستان به هویت نوجوان نیز اشاره شده است. نوجوان در جستجوی پدر خود، در حقیقت به دنبال هویت خویش می‌گردد.

نقد مربوط به تجارت است

علی ارسنجانی نعمت‌الهی، نویسنده و مدرس ادبی در ادامه این نشست گفت: نقد مربوط به تجارت است. در گذشته پس از آن که زنان فرش‌ها را می‌بافتند، به بازار می‌بردند و عده‌ای فرش‌ها را نقد و آنها را قیمت‌گذاری می‌کردند. وی افزود: داستان نیز یک محصول است، بهتر است زمانی که داستان را ارزش‌گذاری می‌کنیم ضعف‌ها و معایب آن را نیز بیان کنیم. من به نقد سنتی معتقدم. باید داستان را براساس عناصر داستان نقد کنیم. چارچوب ما در نقد داستان، عناصر داستان است. اگر بخواهیم این کتاب را به عنوان یک اثر آموزشی در کارگاه معرفی کنیم، باید از دانش‌پژوهان بخواهیم که عناصر داستان را یک به یک نقد کنند.

سفر قهرمانی جوزف کمبل

ارسنجانی گفت: کهن‌الگوی «سفر قهرمان» جوزف کمبل را

می‌توان در این اثر مشاهده کرد. نخستین کتابی که قهرمان آن، سفر قهرمانی داشته، گیلگمش است. کتاب ادیسه هومر نیز به گفته کمبل سفر قهرمانی را تجربه می‌کند. او افزود: پیرنگ مهم‌ترین بخش هر داستانی است. پیرنگ کتاب «روز اول، روز آخر» قوی است، اما مسئله فرعی داستان در پایان کتاب، بسیار بیشتر از مسئله اصلی و پیرنگ اصلی پررنگ شده است. در حقیقت پایان داستان، ۱۰۰ درصد درباره مسئله فرعی است و به پیرنگ اصلی پرداخته نشده است.

شخصیت‌های فرعی سیاه و سفید هستند

ارسنجانی در بخش دیگری از سخنان خود درباره شخصیت‌های داستانی در این اثر گفت: شخصیت‌های اصلی داستان به خوبی ساخته و پرداخته شده‌اند، اما شخصیت‌های فرعی یا کاملاً سیاه یا کاملاً سفیدند و بیشتر به تیپ می‌مانند تا شخصیت. مثلاً مادر داستان کاملاً سفید است، فرد کلاهبردار کاملاً سیاه است. در صورتی که شخصیت‌ها زمانی باورپذیرند که خاکستری باشند. در ادامه این مراسم نوجوان ۱۳ ساله‌ای به نام ستاره نعمت‌الهی گفت: این داستان را خواندم و بسیار برایم جذاب بود.

نگارش مانند خیاطی نیست

معصومه میرابوطالبی، نویسنده اثر نیز در پایان نشست گفت: بزرگ‌ترین سعادت نویسنده دیدار مخاطبانش است. من در پایان‌نامه خود «سفر قهرمان» را بررسی کردم. سال‌ها به بررسی اسطوره‌ها و کهن‌الگوها پرداختم، اما داستان‌نویسی مانند خیاطی نیست. برای نگارش داستان از الگوی مشخص استفاده نمی‌کنیم.

وی افزود: هر آنچه خواننده و دیده‌ایم در ناخودآگاهمان می‌ماند و در داستان‌ها خود را نمایان می‌کند.

«من شیرین ابوعاقله هستم»

به بازار نشر رسید

کتاب «من شیرین ابوعاقله هستم»، با تمرکز بر زندگی، حرفه و شهادت این خبرنگار فلسطینی برجسته الجزیره، به ترجمه شهریار شفیعی و توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شد. این اثر به جنبه‌های مختلف زندگی شیرین ابوعاقله، از خبرنگاری در خط مقدم جنگ تا شهادت او، می‌پردازد. این اثر که توسط شهریار شفیعی تحقیق و ترجمه شده است، عنوان دیگری از مجموعه «رنج تو جاریست» بوده و به اهمیت فعالیت‌های این خبرنگار جنگ و شهادت او می‌پردازد.

شیرین ابوعاقله از سال ۱۹۹۷ به عنوان یکی از نخستین خبرنگاران زن الجزیره، در کنار ولید العمری و تیمی کوچک در دفتر الجزیره در فلسطین، فعالیت خود را آغاز کرد. گزارش‌های میدانی او، صدای فلسطینیان را به سراسر جهان عرب منتقل می‌کرد و موجب پیوند دوباره فلسطینیان جداشده از هم شد.

این کتاب ترجمه‌ای از یک اثر واحد نیست، بلکه مجموعه‌ای از مقالات، روایات و اخبار منتشرشده در مورد زندگی و شهادت این خبرنگار برجسته است که منابع معتبری همچون مؤسسه مطالعات فلسطین، نیویورک تایمز، واشنگتن پست و الجزیره به آن اعتبار داده‌اند.

این اثر علاوه بر بازتاب چهره خبرنگاری شجاع، ابعاد انسانی و اجتماعی از فعالیت‌های او را نیز برای خوانندگان تبیین کرده و به بیان جزئیات شهادت و وقایع مرتبط با او می‌پردازد.

تلفیق هنرمندانه واقعیت و تخیل در فیلم باغ کیانوش

محمدجواد فراهانی



فراهانی با اشاره به اینکه فیلم تضادی بین هدف خودآگاه و نیاز ناخودآگاه شخصیت‌ها ایجاد می‌کند مطرح کرد: هدف خودآگاه مشترک همه ابتدای فیلم این است که موز را به دست بیاورند؛ اما باگذشت فیلم دغدغه آنها تغییر می‌کند و به دنبال گیر انداختن عراقی‌ها هستند و این همان نیاز ناخودآگاه است. فیلم‌های خوب تاریخ سینما به لحاظ روایی همیشه این تضاد را دارند و در این فیلم این موضوع در راستای مقاومت است. وی با بیان اینکه این موضوع در بستر یک فیلم‌نامه درست و اصولی شکل می‌گیرد گفت: رویا پردازی در این فیلم در واقع همان نیروی بالقوه نوجوانان است. برنده مسابقه شخص خاصی نیست؛ بلکه همه هستند که نیرویی را در خود کشف کردند و می‌توانند هر موقع خواستند آن را از بالقوه خارج کرده و بالفعل کنند.

فراهانی گفت: در سریال‌های خارجی در مورد نوجوانان موضوع را همواره به سمت نیازهای دوره بلوغ هدایت می‌کنند در صورتی که در کشور ایران و فرهنگ ما این موضوع متفاوت است. رسالت فیلم این است که ما تجربه جدید از زیست شخصیت را بدهد.

منتقد سینما افزود: تصویر فیگورال تصویری در داخل اثر نمایشی و فیلم است که فارغ از فضای روایت فضای روایت را جواری می‌شکند که ما در لحظه با آن ارتباط برقرار می‌کنیم. فیلم باغ کیانوش یک صحنه بسیار خوب از لحاظ کارگردانی و میزانشن دارد. جمعی که متوجه می‌شوند خلبان دومی در

محمدجواد فراهانی منتقد سینما و استاد دانشگاه در مصاحبه حضوری با برنامه سینما زاویه رادیو گفت‌وگو پیرامون موضوع فیلم باغ کیانوش گفت: فیلم باغ کیانوش مولفه‌های بسیار دقیقی در جهت ساختار فیلم‌نامه دارد. وی با بیان اینکه کارگردانی بسیار خوب فیلم باغ کیانوش را نمی‌توان نادیده گرفت افزود: موضوعی وجود دارد که فیلم را به یک تجربه خاص و اصیل تبدیل می‌کند و آن هم تلفیق دقیق واقعیت و تخیل است. منظور ما از تخیل سازوکاری است که فیلم‌ساز از آن استفاده کرده و از خلاقیت خود بهره می‌گیرد و زاویه دیدی به واقعیت می‌دهد که آن زاویه دید یک امر خاص است.

فراهانی تصریح کرد: مخاطب وقتی در برابر این فیلم قرار می‌گیرد تحسین می‌کند و می‌گوید این شخصیت‌ها برای من ساخته شده‌اند و برای من خاص هستند. منظورمان از ترکیب واقعیت و خیال چنین چیزی است. تخیل حتماً محصول فیلم‌های علمی تخیلی نیست. فیلم کاملاً واقعی است؛ اما ذهنیت نوجوانان در آن بازتاب داده می‌شود.

منتقد سینما در ادامه و در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو اظهار کرد: فیلم باغ کیانوش در راستای استعداد و نیروی بالقوه نوجوانی است که آماده به جنگ است نوجوانان هر لحظه آماده‌اند که خودشان مسئولیت بر عهده بگیرند و در مقابل دشمن ایستادگی کنند. ما سلسله رویدادهایی در فیلم داریم که یک سری شخصیت و نوجوان در فیلم ساخته شده که آماده مسئولیت‌های بزرگی هستند.

کوین اسپیسبی شیطان می‌شود



فیلم سینمایی قرارداد از سینمای مستقل ایتالیا با بازی کوین اسپیسبی در جشنواره فیلم قاهره بدون حضور این بازیگر به نمایش درآمد. او در این اثر ایفاگر نقش شیطان است و شیوه بازی او به شکلی است که کاراکتر آل‌پاچینو در وکیل مدافع شیطان را به یاد مخاطبان می‌اندازد.

قرارداد توسط ماسیمو پائولوچی ایتالیایی ساخته شده و اریک رابرتز و وینسنت اسپانو نیز در آن به ایفای نقش می‌پردازند. از آثار پیشین پائولوچی می‌توان به فیلم اکشن «همه در یک روز»، فیلم جنایی «متوسط» و فیلم ترسناک «فتوشوک» اشاره کرد.

اسپیسبی بازیگر سریال «خانه پوشالی» در بحبوحه اتهامات سوءرفتار جنسی در سال ۲۰۱۷ جایگاه خود را از دست داد، اما در دعوی حقوقی در اکتبر ۲۰۲۲ در اتهامی که توسط آنتونی رپ بازیگر «پیش‌تازان فضا: کشف» به وی وارد شده بود، بی‌گناه شناخته شد.

در ابتدای توسعه علم خیر همگانی به وجود نمی آید

امیر محمدی دوست



برخی دانشگاهیان توجهی به پیشینه تاریخی علم و هویت کشور ندارند

حمید دهقانیان

حمید دهقانیان مدیر اندیشکده مطالعات ایران در مصاحبه تلفنی با برنامه در مسیر اندیشه رادیو گفت و گو پیرامون موضوع علم، توسعه و صلح گفت: دوگانه علم و خرافه از انقلاب علمی که چند قرن پیش اتفاق افتاده مطرح بوده و مرز مشخصی نداشته است.

وی با بیان اینکه مرز علم و خرافه را نمی توان به جامعه نشان داد افزود: فیلسوفانی که در اوایل قرن روشنگری آمدند سنت و آنچه دانش بومی بود به عنوان خرافه تلقی کرده و این گونه وانمود کردند که علم فقط دانش پازیتو است.

دهقانیان تصریح کرد: در ادبیات همواره در جهان سوم و جهان غیراروپایی خرافه مطرح بوده و با چنین تصویری از جهان غیراروپایی استعمار شکل گرفت. ما نمی توانیم منکر این شویم که مرز بین خرافه و علم وجود دارد. نمی توانیم همه دستاوردهای علم جدید را بپذیریم و علم گذشته را خرافه بدانیم و دانش بومی را نمی توانیم به راحتی رد کنیم.

مدیر اندیشکده مطالعات ایران در ادامه و در مصاحبه با رادیو گفت و گو با بیان اینکه حتی فیلسوفان پست مدرن هم به انکار علم بومی اعتراض داشتند اظهار کرد: ادبیات مفصلی در این زمینه داریم که متأسفانه کمتر از آن بهره برده ایم. در سند ۲۰۳۰ هم دانش بومی به عنوان دانش کاملاً مفید و کاربردی مورد توجه قرار گرفته است. علم با شعار افزون زدایی ظهور پیدا کرده است.

دهقانیان با اشاره به اینکه در مقابل علم، رمالی و طالع بینی خرافه است گفت: فرهنگ دانش دوست و علم دوست همواره در فرهنگ ما وجود داشته است. هر آنچه به عنوان علم مطرح بوده محصول تمدن جدید است. افکار عمومی علم را دانش تجربی می دانند؛ اما غرب از این مسئله عبور کرده است. متأسفانه هنوز فضای علمی ما به این مناقشه ورود پیدا نکرده است و هر آنچه که دانش غیر از دانش غربی است را پس می زنیم.

مدیر اندیشکده مطالعات ایران مطرح کرد: ما متأسفانه در بین برخی از اساتید و دانشجویان هیچ توجهی به پیشینه تاریخی علم و هویت خود نداریم. مطالعات من بیشتر تخصصی است؛ اما آخرین کتابی که خواندم ترجمه کتاب احیای علوم اجتماعی با عقل عملی بود که نویسنده آن استاد دانشگاه آمریکا است. کتاب در مورد این موضوع است که ما چگونه می توانیم علوم اجتماعی را در جامعه نه فقط به عنوان یک علم و دانش بلکه به عنوان حکمت عملی احیا کنیم.

دهقانیان در آخر افزود: ما انتظاری که از علوم طبیعی داریم را نباید به علوم دیگر مانند علوم اجتماعی ارتباط دهیم چرا که علوم اجتماعی ارزش مدار هستند و باید با رویکردی از جنس حکمت عملی موضوع را پیگیری کنیم.

محمدی دوست گفت: اگر ما به دنبال دانشگاهی هستیم که مشکلات جامعه را حل کنیم باید مسئله خود را مشخص کنیم. یک سری از نهادها در کشور توسعه پیدا کرده اند که نهادهای آموزشی هستند و تعداد قابل توجهی از آنها وابسته به یک شرکت بخش خصوصی می باشند. دانشگاه متناسب با توسعه کمی توسعه کیفی پیدا نکرده و نتوانسته نیازهای جامعه را تأمین کند.

وی با اشاره به اینکه شاهد سیر فزاینده و پر شتاب خروج نخبگان نیز هستیم تصریح کرد: میان واقعیات عرصه سیاست گذاری علم و فناوری با خواسته های ما شکاف قابل توجهی وجود دارد. شورای عالی انقلاب فرهنگی برای خط مشی توسعه هوش مصنوعی بیست و نه اولویت تعیین کرده است و این یعنی اولویت نداریم. خواسته های ما با واقعیت فاصله دارند و این موضوع کار کردها را کاهش می دهد. ما یا باید از خواسته هایمان صرف نظر کنیم یا خواسته هایمان را به واقعیات نزدیک کنیم.

محمدی دوست اظهار کرد: عموم کشورها تصمیم گرفته اند در زنجیره ارزش تولیدات دانشی در دنیا بخشی را اشغال کنند و تمام توان خود را در آنجا به کار بگیرند. این راهبرد به آنها در آن بخش مزیت نسبی می دهد و این امکان را فراهم می کند که قدرت خود را توسعه دهند. به واسطه پیدا کردن مزیت های نسبی امکان همکاری های متقابل و شکل گیری ائتلاف با سایر کشورها به وجود می آید. وقتی مزیتی داشته باشیم کشورها برای همکاری به سراغ ما می آیند و این همکاری ها موجب می شود ریسک آسیب پذیری در این کشورها پایین بیاید.

کارشناس ارشد واحد مطالعات راهبردی سازمان ملی هوش مصنوعی در آخر با بیان اینکه حوزه هوش مصنوعی در دنیا توسعه پیدا می کند و بر قدرت تأثیر خواهد داشت گفت: ما باید سعی کنیم مزیت های خود را در جایی تعیین کنیم و به واسطه ارتباطات گسترده با کشورهای دیگر امکان آسیب پذیری ها در آینده را کم کنیم. در کتاب قدرت و پیشرفت ذکر شده که علم لزوماً به خیر همگانی منجر نمی شود و در ابتدای توسعه علم نباید به دنبال خیر همگانی باشیم.

کارشناس ارشد واحد مطالعات راهبردی سازمان ملی هوش مصنوعی با بیان اینکه پشتوانه این تعبیر خرواری از مبانی فکری و فلسفی وجود دارد که در غرب شکل گرفته است اظهار کرد: اگر می خواهیم تبیین دگرگونه ای داشته باشیم باید به پشتوانه های فکری و فلسفی دیگری تکیه بزنیم. در این صورت تعبیر ما از جایگاه انسان در طبیعت تغییر پیدا می کند. علم در دنیای مدرن منجر به سوء استفاده هایی شده که زندگی بشری در حالت عمومی را دچار مخاطراتی می کند.

محمدی دوست مطرح کرد: ترویج علم با اهداف متفاوتی شکل می گیرد. ما سه شکل از تعریف دانشگاه را پشت سر گذاشته ایم. در موج اول دانشگاه آموزش محور و پژوهش محور را داشتیم به این معنی که تنها رسالت دانشگاه آموزش و پژوهش است. نسل بعدی دانشگاه که در انگلیس به وجود آمد دانشگاه انسان محور بود که هدف آن تربیت انسان فرهیخته بود. بعد از آن وارد نسل سوم دانشگاه یعنی دانشگاه کارآفرین شدیم. بعد از آن نسل دانشگاه جامعه محور را داریم.

کارشناس ارشد واحد مطالعات راهبردی سازمان ملی هوش مصنوعی در ادامه و در مصاحبه با رادیو گفت و گو افزود: ما تا زمانی که مسئله خود را مشخص نکنیم اقدامات و راهبردهایمان برای ترویج علم در جهت های مختلف خواهد بود که گاهی ممکن است خنثی کننده یکدیگر نیز باشند. ما از سال ۱۳۸۴ برای ارتقاء اعضای هیئت علمی سیاستی را در پیش گرفتیم که به مقالات علمی و پژوهشی اهمیت می داد. ما از اوایل دهه نود اکوسیستم نوآوری را مطرح کردیم و به دنبال دانشگاه کارآفرین بودیم که در تولید ناخالص داخلی تأثیرگذار باشد.



امیر محمدی دوست کارشناس ارشد واحد مطالعات راهبردی سازمان ملی هوش مصنوعی در مصاحبه حضوری با برنامه در مسیر اندیشه رادیو گفت و گو پیرامون موضوع علم، توسعه و صلح گفت: ما رابطه دوسویه ای بین قدرت و دانش داریم به این معنی که هم دانش قدرت می آورد و هم قدرت موجب توسعه دانش می شود.

وی با بیان اینکه تعبیری از امیرالمؤمنین علی علیه السلام داریم تحت عنوان العالم سلطان علم قدرت است افزود: در مسیر تفکر بنیادین انسان غربی یک جابه جایی شکل گرفته و انسان محور نظم اجتماعی قرار می گیرد و دیدگاه به دانش تغییر پیدا می کند.

محمدی دوست تصریح کرد: زمانی که می گویم علم قدرت است به این معنی می رسمیم که علم توانایی کنترل طبیعت است. ما از علم برای بهبود زندگی خودمان بهره برداری می کنیم و برای رسیدن به قدرت از علم استفاده می کنیم. اگر توسعه را کسب قدرت برای بهروزی، به دست آوردن ابزار و فناوری های پیشرفت در زندگی بشری و تسخیر طبیعت تعریف کنیم علم در همه این موارد به کمک انسان می آید.

نقش آفرینی بارون ترامپ در چرخش آرای نسل Z به سمت پدرش

نفر هم عبور کرد.

برای نسل Z، نفس حضور ترامپ در چنین برنامه هایی جذاب است؛ حتی فارغ از آنکه چه چیزی می گوید. ترامپ ۷۸ ساله، احتمالاً درک عمیقی از نقش این پلتفرم ها در حیات شخصی و اجتماعی جوانان آمریکا نداشته است؛ اما به واسطه فرزندش بارون توانست سید رأی خود را در میان نسل Z، در فاصله دو انتخابات، حدود ۱۰ درصد افزایش دهد و همان طور که می دانیم، با اختلاف، از رقیب دموکرات خود پیشی بگیرد و پیروز انتخابات شود.

این روند، فارغ از آنکه در انتخابات کشوری چون آمریکا رخ داده است، اهمیت نسل نوجوان و جوان و نیز اهمیت حضور سیاسی آنان را در پیشبرد اهداف کشورها نشان می دهد؛ به ویژه که چهره های سیاسی کارکشته دنیا، عمدتاً از نسلی اند که فهم عمیقی از زیست فردی و اجتماعی و حتی زیست آنلاین نسل جوان ندارند و حضور مشاورانی از همین نسل، البته به فرض آنکه در سایر ملاحظات هم پختگی لازم را داشته باشند، می تواند از سویی، تأثیر بسزایی در افزایش محبوبیت این چهره ها در میان این قشر داشته باشد و از سوی دیگر، به افزایش مشارکت سیاسی این نسل در بزنگاه های مختلف سیاسی، به نفع نظام حاکم بر کشورها کمک کند.

بارون بوده است که «پادکست های داغ» را به او نشان داده و او را متقاعد کرده است تا در آن ها ظاهر شود. نتایج این مشاوره را می توانیم به وضوح در فعالیت های انتخاباتی اینترنتی ترامپ در هفته های اخیر مشاهده کنیم:

دونالد ترامپ، در خلال تبلیغات انتخاباتی، از جمله میهمانان پادکست «تجربه جو روگان» (Joe Rogan Experience) بود؛ یکی از شناخته شده ترین و پرطرفدارترین پادکست های جهان که طیف وسیعی از موضوعات از جمله علم، فلسفه، سیاست، کمدی و هنرهای رزمی را پوشش می دهد. شایان توجه است برخی پادکست های روگان، بالغ بر پنجاه میلیون بازدید داشته است.

ترامپ همچنین در یکی از برنامه های «ادین راس» (Adin Ross) حاضر شد؛ یک استریمر معروف ۲۴ ساله که در نوع خود، در شمار جنجالی ترین استریمرهای دنیا محسوب می شود. ترامپ در این برنامه به اهمیت آرای جوانان در انتخابات ریاست جمهوری پنج نوامبر اشاره کرد. جالب اینجاست که او در خلال این برنامه اینترنتی نیز با صراحت از نقش پسرش بارون در آشنا کردن او با برنامه راس و میزان محبوبیت راس بین جوانان سخن گفت. بسیاری، این قسمت از برنامه ادین راس را یکی از جنجالی ترین استریمرهای تاریخ می دانند که میزان بازدید آن، در برخی لحظات، از نیم میلیون

بازخوانی دلایل و زمینه های پیروزی ترامپ در انتخابات اخیر آمریکا، از زوایای مختلف امکان پذیر است. یکی از این زوایا، نقش فناوری های ارتباطی نوظهور و گره خوردن این فناوری ها با نسل موسوم به Z است. طبعاً جامعه آمریکا نیز مانند هر جامعه دیگری در عصر حاضر، می بایست تأثیر چنین عواملی را بر سرنوشت روندهای کلان سیاسی اجتماعی اش برآورد کند؛ چنانکه در انتخابات حاضر، حدود ۴۶ درصد از جوانان نسل Z آمریکا (در بازه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال) به ترامپ رأی دادند؛ در حالی که وی در انتخابات ۲۰۲۰، آرای تنها ۳۶ درصد از رأی دهندگان این نسل را به دست آورد.

اما این افزایش ۱۰ درصدی اقبال به ترامپ در میان این نسل ناشی از چه بود؟ می دانیم که این نسل، تأثیرپذیری زیادی از شبکه های اجتماعی، پلتفرم های آنلاین و سایر فناوری ها و قالب های ارتباطی نوظهور همچون پادکست دارند. مطابق برخی گزارش ها، بارون ترامپ، فرزند کوچک دونالد ترامپ (متولد ۲۰۰۶) که خود از پیشتازان این نسل است، پدرش را در جریان کمپین های انتخاباتی، با زبان و جهان ویژه نسل Z آشنا کرد. گفته می شود او به پدر ۷۸ ساله اش که احتمالاً درک عمیقی از پلتفرم های اینترنتی، یوتیوب و استریمرها، قالب پادکست و... نداشته است، در خصوص اهمیت بسزای این پلتفرم ها مشورت داده است؛ چنانکه ترامپ طی مصاحبه ای با فاکس نیوز در ماه اکتبر، اذعان داشته بود که این پسرش



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیک و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۱۲۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸
نشانی: بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON

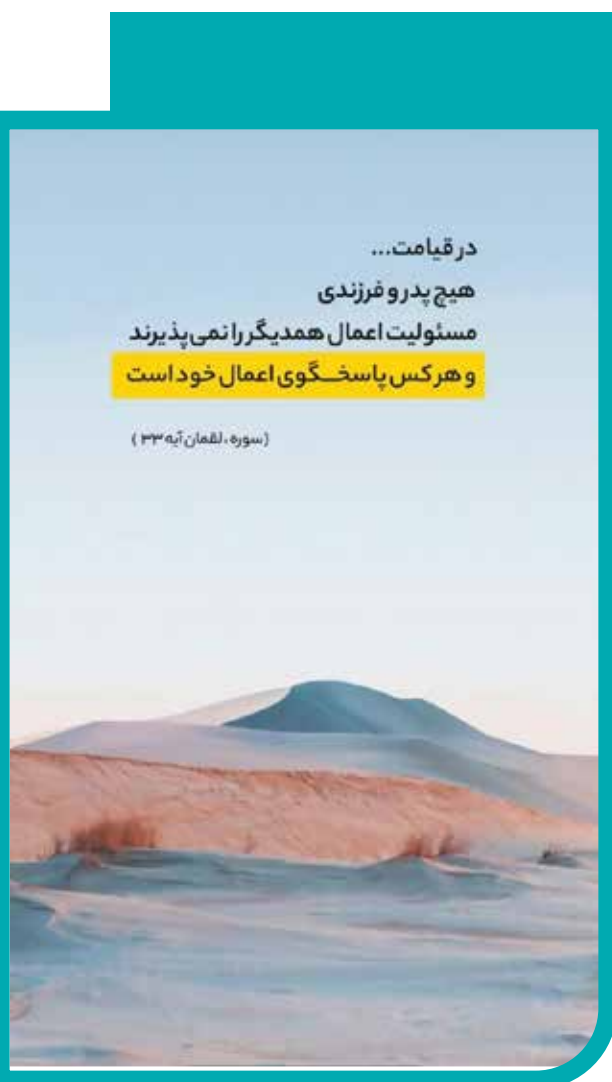


برخی دانشگاهیان توجهی به پیشینه تاریخی علم و هویت کشور ندارند

در ادبیات همواره در جهان سوم و جهان غیرروپایی خرافه مطرح بوده و با چنین تصویری از جهان غیراروپایی استعمار شکل گرفت. ما نمی‌توانیم منکر این شویم که مرزی بین خرافه و علم وجود دارد.

تلفیق هنرمندان و واقعیت و تخیل در فیلم باغ کیانوش

موضوعی وجود دارد که فیلم را به یک تجربه خاص و اصیل تبدیل می‌کند و آن هم تلفیق دقیق واقعیت و تخیل است. منظور ما از تخیل سازوکاری است که فیلم‌ساز از آن استفاده کرده و از خلاقیت خود بهره می‌گیرد.



در قیامت...
هیچ پدر و فرزندی
مسئولیت اعمال همدیگر را نمی‌پذیرند
و هر کس پاس‌سخت‌گویی اعمال خود است

(سوره، لقمان آیه ۳۳)

مربی خارجی با برنامهریزی معجزه هم می‌کند!

فریدون حسن

«باید توجه داشت که مربیان خارجی معجزه نمی‌کنند، هرچند که نمی‌توان توانایی مربیان خارجی را نادیده گرفت. البته نباید این موضوع را شرطی کنیم و نباید روی مربی خارجی متمرکز شویم، چون با مشکل مواجه خواهیم شد.» این پاسخ محمود خسروی‌وفا، رئیس کمیته ملی المپیک به مسئولان فدراسیون دوومیدانی برای جذب مربی خارجی است.

در اینکه باید روی سرمایه‌ها و دانش مربیان داخلی تمرکز کرد و آنها را دست‌کم نگرفت، هیچ شکی نیست. حتی این اظهار نظر خسروی‌وفا که مربی خارجی معجزه نمی‌کند را هم باید جدی گرفت و تأیید کرد، اما هیچ‌کدام از اینها نمی‌تواند و نباید روی ارتباط با دنیای حرفه‌ای ورزش و بهره‌گیری از دانش روزافزون ورزش جهان خط بکشد. رئیس کمیته ملی المپیک حتماً به این موضوع واقف است که برای پیشرفت ورزش و به‌خصوص رشته‌های المپیک و مدال آوری نظیر دوومیدانی باید از علم روز ورزش دنیا بهره برد و این امر محقق نمی‌شود مگر اینکه بتوانیم با تکیه بر دانش مربیان کارآموده و با دانش خارجی، آن‌هم به‌صورت مدرس، مربیانی تربیت کنیم که بتوانند تیم‌های ملی و باشگاهی‌مان را در رشته‌های مختلف به درستی هدایت کنند. خسروی‌وفا درست می‌گوید، مربی خارجی برای ما معجزه نمی‌کند، ولی این مسئله کاملاً به نوع استفاده‌ما از دانش و تجربیات مربیان خارجی بستگی دارد. اینکه آنها را صرفاً برای کسب چند نتیجه در چند رویداد به خدمت بگیریم در نهایت به همین موضوعی که رئیس کمیته ملی المپیک به آن اشاره داشته ختم می‌شود، یعنی معجزه‌ای رخ نمی‌دهد وای بسا که ثمرهایی جز شکست هم نداشته باشد، اما اگر با برنامهریزی در خصوص استخدام مربیان خارجی پیش برویم، قطعاً داستان متفاوت خواهد شد و شاهد به‌وقوع پیوستن معجزه هم خواهیم بود.

سال‌هاست که این مسئله عنوان می‌شود در استخدام مربی

کامران قاسمپور به وزن حسن یزدانی آمد



ابراهیم مهربان دبیر فدراسیون کشتی در این باره گفت: با توجه به اینکه مسابقات لیگ پادوبنی روسیه (تیم به تیم) با ۲ کیلوگرم ارفاق وزن برگزار می‌شود و کامران قاسم پور نیز پس از رقابت‌های جهانی آلبانی زیر وزن ۹۰ کیلوگرم قرار دارد، کادر فنی تصمیم گرفت که این کشتی‌گیر در این رقابت‌ها در وزن ۸۶ کیلوگرم به میدان برود. امیرحسین فیروزپور نیز که پیش از این قرار بود در وزن ۹۷ کیلوگرم در این مسابقات به میدان برود در وزن ۹۲ کیلوگرم کشتی خواهد گرفت و مجتبی گلچ نیز نماینده کشورمان در وزن ۹۷ کیلوگرم این مسابقات خواهد بود.

رقابت‌های کشتی آزاد تیم به تیم ایران و روسیه در قالب لیگ پادوبنی روز ۳ آذرماه در سالن ورزشی دینامو موسکو برگزار می‌شود.



خارجی باید سطح فنی او و کارنامه‌اش لحاظ شود؛ اینکه او به کار ورزش ما نمی‌آید و اصولاً می‌تواند چیزی به داشته‌های قبلی ما اضافه کند یا نه، ولی حتی همین بدیهی‌ترین اصل هم در بیشتر موارد رعایت نمی‌شود تا شاهد حضور برخی مربیان بی‌کیفیت و بی‌دانش خارجی به اسم مربیان تأثیرگذار در ورزش کشور باشیم. در مرحله بعدی باید توجه داشته باشیم که مربی بادنش نباید صرفاً برای کسب نتیجه به ورزش ایران پا بگذارد و این ما هستیم که باید از دانش او برای رشد و توسعه استعدادهای ورزشمان استفاده کنیم، چه در امر ورزشکارپروری و چه در راه مربی‌سازی، ولی باز جای افسوس است که مربیان خارجی تنها برای کسب چند نتیجه زودگذر پا به ورزش ایران می‌گذارند و تنها هزینه‌های گزاف به ورزش تحمیل می‌کنند و ما بدون اینکه بتوانیم از دانش آنها برای استعدادیابی و آینده‌نگری استفاده کنیم، مجبور به پرداخت میلیاردها تومان پول بیت‌المال می‌شویم. خسروی‌وفا درست می‌گوید، مربی خارجی معجزه نمی‌کند، چون ما بلد نیستیم و یاد نگرفتیم که چگونه باید از دانش یک مربی کاربرد خارجی استفاده کنیم، والا ورزش جهان این روزها شاهد آن است که مربیان کشورهای مختلف چگونه در بالاترین سطح ورزش جهان برای تیم‌های ملی و باشگاهی کشورهای دیگر کار می‌کنند و ثمره آن را هم می‌بینند، ولی همین مربیان نمی‌توانند برای ما معجزه کنند.

درخشش بانوی رکابزن ایران در رویداد بزرگ ابوظبی



مسابقه دوچرخه سواری گرن فوندو ابوظبی ۲۰۲۴ ابوظبی با حضور بیش از ۷۰۰ دوچرخه سوار از سراسر دنیا در مسیری به طول ۱۵۰ کیلومتر برگزار شد. در این مسابقه سمیه یزدانی توانست در رده بنتلی کلی زنان به مقام دهم و در رده بندی سنی به مقام نهم دست پیدا کند و با میانگین سرعت ۴۴٫۲ کیلومتر مسابقه را به اتمام برساند.

تغییر ورزشگاه میزبان بازی استقلال-پاختاکور

در شرایطی که پیش از این ورزشگاه حمدان بن راشد امارات به عنوان میزبان دیدار استقلال - پاختاکور در لیگ نخیکن آسیا انتخاب شده بود، AFC امروز ورزشگاه راشد دبی (ورزشگاه خانگی شباب‌الاهلی) را به عنوان میزبان این بازی معرفی کرد.

مجامع انتخاباتی پاشنه آشیل ورزش ایران

شیوانوروزی



مجامع انتخاباتی بدون حاشیه و مشکل برگزار نشده‌اند و از بابت همین غفلت‌ها و نادیده گرفتن قوانین داخلی و خارجی، ورزش و حتی کشورمان لطمات زیادی خورده است. دنیامالی در نشست‌های اخیرش بارها به کوتاه بودن زمان باقی‌مانده تا بازی‌های آسیایی ناگویا اشاره کرده، ولی متأسفانه حرفی از بلاتکلیفی فدراسیون‌ها و تأثیر منفی آن بر عملکرد ورزشکاران‌شان نزنده است. برای ورزش کشورمان افت دارد که تشکیل مجمع انتخاباتی، آن‌هم نه به موقع، بلکه با تأخیر فراوان آرزوی ورزشکاران و مربیان رشته‌های مختلف باشد. بدتر اینکه شاکیان با مطرح کردن مفاد قانونی رأی ابطال را از سازمان بازرسی بگیرند و دوباره بلاتکلیفی‌ها را سر گرفته شود.

نهایی رسماً اعلام نشده است. به همه این موارد بحث ابطال نتایج انتخابات چند رشته را نیز بیفزایید و اینکه شاکیان چند فدراسیون دیگر بیکار ننشسته و به جد پیگیر شکایت خود از نهادهای مربوطه هستند. همین اواخر بود که سازمان بازرسی رأی به باطل شدن نتیجه مجمع کاراته دارد و این رشته مدال‌آور در آستانه اعزاز به مسابقات مهم با حاشیه‌های بزرگ مواجه شد. البته کاراته تنها رشته پر حاشیه در بعد انتخاباتی نیست و دوومیدانی، جانبازان و توان‌یابان و سوارکاری نیز با داشتن شاکیان مختلف منتظر رأی نهایی دادگاه هستند. از آنجا که سال‌هاست بسیاری از مجامع انتخاباتی با ایرادهای قانونی برگزار می‌شوند، احتمال به ثمر نشستن شاکیان این سه فدراسیون و باطل شدن نتیجه انتخاباتشان بسیار زیاد است. در این گیرودار گویا وزارت نه‌تنها مخالفت جدی با مدیریت فدراسیون‌ها با سرپرست ندارد، بلکه اظهار نظر‌ها نشان می‌دهد برخی موافق این مسئله هستند. فدراسیون شطرنج بیش از یک سال و نیم است که با سرپرست‌های مختلف اداره می‌شود و به زودی بر تعداد فدراسیون‌های بلاتکلیف اضافه خواهد شد.

انتظار می‌رفت وزیری که خودش تجربه مدیریت فدراسیون مدال‌آور را داشته در این بحث جدی‌تر از این حرف‌ها ظاهر شود، نه اینکه با اظهار نظر‌هایش در خصوص انتخاب سرپرست برای فدراسیون‌ها، بحث‌ها و چالش‌های جدیدی را به ورزش تحمیل کند. با اینکه مسئولان و مدیران ورزش ما همواره از دوران مدیریتی خود به‌عنوان بهترین روزهای مدیریت ورزش یاد می‌کنند، اما تجربه نشان می‌دهد در هیچ دوره‌ای

اداره فدراسیون‌ها با سرپرست و طولانی شدن روند برگزاری مجامع انتخاباتی، چالش‌هایی است که از دیرباز ورزش کشورمان با آن دست به گریبان بوده و وزارت ورزش نیز تاکنون نتوانسته راه چاره‌ای برای آن پیدا کند. بلاتکلیفی مدیریتی رشته‌ها تنها یک طرف ماجراست و بروز حواشی از جمله اعتراض، شکایت و ابطال انتخابات و حتی کشیدن شدن پای فدراسیون‌های جهانی و مطرح شدن موضوع تعلیق، آن روی دیگر سکه هستند و متأسفانه مسئولان به شکلی عجیب به این موارد توجه لازم را نشان نمی‌دهند!

سه ماه از روی کار آمدن احمد دنیامالی به‌عنوان وزیر جدید حوزه ورزش می‌گذرد، اما در مورد نجات رشته‌ها از بلاتکلیفی مدیریتی اخبار امیدوارکننده‌ای از ساختمان خیابان سئول شنیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد اداره فدراسیون‌ها با سرپرست و همچنین ماه‌ها انتظار و حتی بیشتر برای برگزاری مجامع انتخاباتی به معضلی حل نشدنی برای ورزش ایران تبدیل شده است که گویا حل و فصل آن از عهده هیچ‌کسی برنمی‌آید. همین چند روز پیش بود که خبر تعویق برگزاری انتخابات فدراسیون روستایی و عشایری منتشر شد، آن‌هم در حالی که تنها یک روز تا زمان مقرر باقی مانده بود. علاوه بر این چند فدراسیون دیگر نیز با سرپرست اداره می‌شوند و از زمان برگزاری مجامع‌شان خبری نیست. ضمن اینکه چند رشته از جمله اسکی، بدنسازی و پزشکی ورزشی هم به رغم طی کردن پروسه ثبت‌نام نامزدها منتظر تعیین زمان برگزاری انتخابات هستند. در خصوص انتخابات فدراسیون بولینگ و بیلبارد که طبق برنامه قرار است چهارشنبه برگزار شود نیز ابهاماتی وجود دارد و هنوز اسامی نامزدهای